

## نقش تسهیلگران در پیشبرد کارآفرینی زنان روستایی: دلالت‌هایی برای آموزش تسهیلگری

سارا پارسیانی<sup>۱</sup>، محمدشریف شریف‌زاده<sup>۲</sup>، محمدرضا محبوبی<sup>۳</sup>، غلامحسین عبدالله زاده<sup>۴</sup> و مهنوش شریفی<sup>۵</sup>

۱- کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان

۲،۳- دانشیار، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان

۵- مدرس مدعو، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان

### چکیده

این پژوهش با هدف شناسایی و تبیین کارکردها و قابلیت‌های تسهیلگران برای پیشبرد کارآفرینی زنان روستایی انجام شد تا از نتایج بدست‌آمده، برای کاربریت تسهیلگری در ترویج کشاورزی بهره گرفته شود. این تحقیق پیمایشی در شهرستان گالیکش، استان گلستان انجام شد. جامعه آماری این تحقیق شامل تسهیلگران و زنان روستایی بودند و نمونه‌ها به صورت تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند ( $n=204$ ). ابزار تحقیق پرسشنامه‌ای محقق ساخته بود که بر حسب مرور پیشینه و نیز مصاحبه با گروهی از آگاهان کلیدی در قالب یک الگوی سه بعدی تدوین شد؛ روایی محتوایی آن برابر نظر و دید گروه خبرگان و پایایی آن با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ ( $0/960-0/964$ ) و پایایی ترکیبی ( $0/962-0/967$ ) تأیید شد. بنابر یافته‌ها، بیش تر پاسخگویان، کارکردهای تسهیلگران (۴۷/۰۶ درصد)، قابلیت‌های تسهیلگران (۵۲/۹۴ درصد) و پیامدهای تسهیلگری برای کارآفرینی زنان روستایی (۴۶/۵۷) را در سطح متوسط ارزیابی کرده‌اند. طبق ضریب همبستگی اسپیرمن، رابطه مثبت و معنی‌داری بین سه مولفه کارکردهای تسهیلگری، قابلیت‌های تسهیلگری و پیامدهای تسهیلگری وجود دارد. طبق آزمون مدل ساختاری، متغیرهای پژوهش، ۷۵ درصد از واریانس متغیر وابسته پیامدهای تسهیلگری را تبیین می‌کنند و متغیر مستقل قابلیت‌ها ۵۸/۹ درصد از واریانس متغیر میانجی کارکردها را تبیین می‌کند. با در نظر گرفتن این یافته‌ها، می‌توان نتیجه گرفت شکل‌گیری جریان پایدار کارآفرینی در بین زنان روستایی نیازمند بهره‌گیری از تسهیلگرانی است که از قابلیت لازم برخوردار بوده و کارکرد خود را برای حمایت از زنان در فرآیند کارآفرینی به صورت هدف‌مند به انجام برسانند. از این رو، تلفیق و تقویت آموزش تسهیلگری در برنامه‌ها و دوره‌های آموزش ترویج کشاورزی برای پرورش و ارتقای قابلیت‌های مورد نظر در مسیر توسعه حرفه‌ای کارگزاران ترویجی، ضروری به نظر می‌رسد.

نمایه واژگان: ترویج کشاورزی، آموزش تسهیلگری، کارآفرینی زنان روستایی.

نویسنده مسئول: محمد شریف شریف‌زاده

رایانامه: sharifzadeh@gau.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۳۱

تاریخ ارسال: ۱۴۰۰/۰۵/۱۹

## مقدمه

کارگزاران ترویجی در نقش‌های مختلفی، به هموارسازی زمینه توسعه و پیشرفت اجتماع‌های روستایی مبادرت می‌ورزند. تسهیلگری یکی از این نقش‌هاست که در رویکردهای مشارکتی به توسعه محلی بیش از دیگر نقش‌ها (آموزش، اطلاع‌رسانی، انتقال فناوری و غیره) مورد توجه قرار گرفته است (شریفی و همکاران، ۱۳۸۹؛ الهیاری و همکاران، ۲۰۰۹؛ وان‌دی فلیرت و همکاران، ۱۹۹۵). در واقع، تسهیلگران همکاری‌های چندجانبه دست‌اندرکاران توسعه را برای پیشبرد دگرگونی‌های سازنده و نوآوری‌های اجتماعی هموار می‌سازند (بروئر و همکاران، ۲۰۱۶). در این بین، موفقیت تسهیلگران به عنوان یکی از هدایتگران توسعه جامعه محلی، پیوند نزدیکی با میزان مشارکت مردم آن جامعه دارد؛ اعضای جامعه، نیروی بالقوه‌ای هستند که می‌توانند منشاء تغییرپذیری‌های پایدار در جامعه خود باشند (سرف و همکاران، ۲۰۱۱؛ دیوگد و همکاران، ۱۹۹۸). به عبارتی دیگر، مردم محلی نه سوژه تغییر، که عامل آن هستند. تسهیلگران به عنوان افراد یا گروه‌هایی با اطلاع کامل از روندها و تعامل‌های جامعه هدف، دانش و مهارت خود را به کار می‌بندد کلید برانگیزش، مشارکت، احساس تعلق، و مسئولیت‌پذیری در فرآیند توسعه محلی هستند. بنابراین، تسهیلگران از مجرای کار با مردم محلی، موجب آزادشدن، همگراسازی و جریان‌بخشی به نیروها در مسیر سودمند برای فرد و اجتماع می‌شوند (استیبر و آلنژ، ۲۰۱۵؛ کولب و روسول، ۲۰۱۵). توسعه حرفه‌ای کارگزاران ترویجی برای ایفای نقش‌های محوله در گرو درک ابعاد مختلف نظام شغلی و حرفه‌ای آنان است (ملک‌محمدی و شریف‌زاده، ۱۳۸۵). شناسایی کارکردها و قابلیت‌های تسهیلگران زن روستایی برای پیشبرد کارآفرینی می‌تواند به تدارک برنامه‌های آموزشی و حمایتی از تسهیلگران برای پیشبرد کارآفرینی در بین زنان روستایی و در نتیجه،

توانمندسازی آنان و شکوفایی اقتصاد روستایی کمک کند. پرداختن به تسهیلگری در ترویج کشاورزی نوعی تخصصی‌شدن کارکردی به شمار می‌رود (شریف‌زاده و ملک‌محمدی، ۱۳۸۳). تسهیلگری به معنی "آسان‌سازی" است و در واقع فرآیند کمک به گروه‌ها برای انجام فعالیت‌هایشان به طور اثربخش است (واردل، ۲۰۰۸). تسهیلگران، گروه‌ها را شکل داده و با گروه‌ها برای رفع تضادها و افزایش هم‌افزایی کار می‌کنند؛ آنان با ترغیب افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها به تعامل و ارتباط موثر با همدیگر، شبکه‌ساز هستند و از طریق فراهم‌سازی زمینه تسهیم آموزه‌ها توأم با بازاندیشی انتقادی، به پیشبرد یادگیری تجربی و تقویت نظام دانش محلی یاری می‌رسانند (ال‌سی و سیریچوتی، ۲۰۰۲). حضور تسهیلگران ماهر در فرآیند توسعه برنامه‌های ترویجی، می‌تواند زمینه‌ساز شناسایی و بسیج ظرفیت‌های محلی، و در نتیجه، ظرفیت‌سازی و توانمندسازی اجتماع‌های محلی از یک‌سو و پایداری ابتکار عمل‌های ترویجی و توسعه‌ای از دیگر سو باشد (سلیرز، ۲۰۰۰؛ هیروکاوا و کیتون، ۱۹۹۵؛ کولب، ۲۰۰۴؛ مک‌فازدن، ۲۰۰۲). تسهیلگران بنا بر ویژگی‌های خاصی که دارند در زمینه‌های مختلفی از جمله کارآفرینی اقتصادی و اجتماعی، مشارکت در شرکت‌های تعاونی روستایی، توسعه اجتماع‌های محلی، توسعه کسب‌وکارهای خانگی، توسعه صنایع دستی در سطح ملی و بین‌المللی (برای نمونه در قالب طرح گرامین بانک در ده‌ها کشور از جمله پاکستان و بنگلادش و یا پروژه بین‌المللی ترسیب کربن از سوی برنامه عمران سازمان ملل متحد) همکاری داشته و دارند (فلاحی و همکاران، ۱۳۹۴).

در اصل، ضرورت بهره‌گیری از تسهیلگران با طرح رهیافت‌های مشارکتی همانند مدرسه‌های مزرعه‌ای (فان‌در برگ و جیگنژ، ۲۰۰۷) و نیز ابتکار عمل‌های توسعه محلی و کارآفرینی اجتماعی (شریفی و پیش‌بین، ۱۳۹۴)

کشور، نقش ایفا می‌کنند امری ضروری است. جلب مشارکت زنان روستایی در توسعه نیازمند راهکارهایی مناسب است تا سبب تحرک‌پذیری، توانمندسازی و تقویت روحیه خودباوری آنان شود. یکی از این راهکارها، اجرای طرح «تسهیلگری» است تا افرادی با عنوان «تسهیلگر» که از بین زنان روستایی جامعه خودشان برگزیده می‌شوند و با آموزش‌هایی که می‌گذرانند، زنان روستایی را در امور مختلف اقتصادی-اجتماعی یاری و زمینه‌های مشارکت بیشتر آنان را فراهم کنند (بوذرجمهری و نایب‌زاده، ۱۳۸۸). بنابر شواهد چندی، کارآفرینی مجرای مناسبی برای توانمندسازی زنان روستایی است و از این‌رو، یکی از رویکردهای موضوعی کلیدی تسهیلگران به شمار می‌رود (قاسمی و احمدپور، ۱۳۹۴؛ سالوا و همکاران، ۲۰۱۳؛ اوتوو و همکاران، ۲۰۱۲). در این رویکرد، به کارگیری زنان پیشروی محلی با عنوان تسهیلگر و عامل (القاء‌کننده) تغییرپذیری با پرداختن به کسب‌وکار و کارآفرینی خرد حمایت‌شده مد نظر است. تا کنون پژوهشگران مختلف کوشیده‌اند به تبیین نقش آفرینی تسهیلگران بپردازند. از این جمله، یافته‌های پژوهش میدانی عسگریان دهکردی و خسروی پور (۱۳۸۹) با هدف بررسی نقش تسهیلگران در ارتقای آگاهی و مشارکت زنان روستایی، در روستاهای دستنا، بهرام آباد و شوراب صغیر از توابع شهرستان شهرکرد نشان دهنده نقش به نسبت مطلوب استفاده از تسهیلگران در ارتقای آگاهی و مشارکت زنان روستایی در حوزه‌ی مورد بررسی بود. همچنین، بوذرجمهری و نایب‌زاده (۱۳۸۸) بر پایه پژوهشی میدانی در ۱۸ روستای دهستان مازول از بخش مرکزی شهرستان نیشابور، به این نتیجه رسیدند که گرچه طرح تسهیلگری در ایجاد ارتباط دوسویه بین کارگزاران دولتی و زنان روستایی و نیز در افزایش مشارکت زنان در عرصه‌های مختلف توسعه روستایی موفق نبوده، اما در افزایش روحیه اعتماد به نفس تسهیلگران زن و

در سطح کشور و طرح‌هایی همانند صندوق اعتبارات خرد (زرافشانی و همکاران، ۱۳۹۱)، ترسیب کرین (احمدی‌زاده و داودیان، ۱۳۹۵) و همانند آن بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. در این بین، طرح تسهیلگران زن روستایی به عنوان یک فرآیند پیوسته پژوهش و اقدام مشارکتی، در اوایل سال ۱۳۷۷ از فریدن اصفهان آغاز شد و در ادامه از سال ۱۳۷۸، به صورت آزمایشی در میانکوه استان چهارمحال و بختیاری، به اجرا درآمد و سپس در استان‌های دیگر کشور گسترش یافت. هدف کلی این طرح "توانمندسازی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زنان روستایی" بود که برای دستیابی به آن، هدف‌های اختصاصی چندگانه‌ای شامل: ارتقاء منزلت اجتماعی، افزایش مشارکت زنان روستایی در تصمیم‌گیری‌های مربوط به خود، ایجاد ارتباط دو سویه بین زنان و کارگزاران دولتی، افزایش دسترسی زنان روستایی به منابع‌ها و فرصت‌های آموزشی، شکستن فرهنگ سکوت در روستا با جلب آراء و نظرگاه‌های زنان، افزایش خودباوری و اعتماد به نفس زنان، میزان فعالیت اجرایی در راستای آموزش‌های تسهیلگران، دستیابی به عامل‌های تسریع‌کننده مشارکت و استفاده از دانش بومی زنان روستایی مد نظر قرار گرفت (مریدالسادات همکاران، ۱۳۸۶). در واقع، مقصود اصلی چنین طرح‌هایی، توانمندسازی گروه‌های هدف در بستر جامعه محلی، با وجود مسئله‌ها و تنگناها و البته، ظرفیت‌ها و فرصت‌های واقعی است. زنان از جایگاه ویژه‌ای در بین گروه‌های هدف طرح‌های تسهیلگری برخوردارند. با گسترش دیدگاه‌های توسعه پایدار در سال ۱۹۸۰، توجه به زنان در فرآیند توسعه انسانی وارد مرحله جدیدی شد. توانمندسازی زنان روستایی به عنوان نیمی از پیکره جامعه روستایی که دوشادوش مردان در فعالیت‌های مختلف کشاورزی، صنایع دستی، مدیریت خانه و تربیت فرزندان و توسعه اقتصادی اجتماعی روستا و در پی آن

حضور بیش تر آنان در برنامه‌های توسعه روستایی مؤثر بوده است. شریف زاده و شریفی (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان بررسی نگرش تسهیلات‌گزاران کارگزاران ترویج کشاورزی و تحلیل عامل‌های موثر بر آن نشان دادند که بیشتر پاسخگویان (۵۸ درصد) از نگرش به نسبت تسهیلات‌گزاران برخوردارند و پنج متغیر بازدید میدانی، گذراندن دوره آموزشی، مشارکت در طرح‌های تحقیقی-ترویجی، سابقه خدمت و پیشینه عضویت در تعاونی‌ها و تشکل‌ها بر نگرش تسهیلات‌گزاران تأثیرگذار است. اقدسی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با هدف بررسی نقش زنان تسهیلات‌گزار روستایی در آموزش توسعه پایدار و حفاظت از محیط زیست به این نتیجه رسیدند که بین متغیرهای پیشینه همکاری، میزان استفاده تسهیلات‌گزاران روستایی از ابزارهای ارتباط جمعی درباره محیط زیست، میزان توانایی برقراری ارتباط تسهیلات‌گزاران با جامعه و زنان روستایی، میزان شرکت در دوره‌های آموزشی-ترویجی، میزان شرکت در دوره‌های زیست محیطی، میزان رضایت تسهیلات‌گزاران از محتوای دوره‌های آموزشی-ترویجی، روش‌های مورد استفاده در دوره‌های آموزشی-ترویجی، نگرش تسهیلات‌گزاران و نگرش تسهیلات‌گزاران روستایی نسبت به حفظ محیط زیست با مهارت تسهیلات‌گزاران در آموزش توسعه پایدار و حفاظت از محیط زیست رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. البته، برخورداری از قابلیت‌ها و صلاحیت‌های مورد نیاز تسهیلات‌گزاران، نمی‌تواند به تنهایی متضمن موفقیت آنان در عمل باشد؛ چرا که شرایط محیطی و بافت اجتماعی نیز به میزان زیادی بر موفقیت آنان تأثیرگذار می‌باشند (هاروی و همکاران، ۲۰۰۲؛ پیرس و همکاران، ۲۰۰۰؛ ماروتو، ۲۰۱۸). در این باره، یافته‌های تحقیق حاجیلوو و همکاران (۱۳۹۶) با هدف بررسی عامل‌های فردی و محیطی مؤثر بر موفقیت تسهیلات‌گزاران در روستاهای شش شهرستان آذربایجان شرقی نشان داد که بین موفقیت تسهیلات‌گزاران در ایجاد و تداوم

فعالیت گروه‌های مستقل زنان با میزان پذیرش تسهیلات‌گزاران از سوی زنان، زمینه‌های تماس وی با کارشناسان ترویج، و آشنایی وی با مفهوم «سازمان‌های غیردولتی» ارتباط وجود دارد. افزون بر قابلیت و زمینه فعالیت، جهت‌گیری کارکردی تسهیلات‌گزاران نیز تا حد زیادی موفقیت آنان را متأثر می‌سازد. در این بین، توجه ویژه‌ای به کارآفرینی در ابتکار عمل‌های مرتبط با توانمندسازی زنان صورت گرفته و به نوعی، تسهیل کارآفرینی زنان روستایی به یکی از سازوکارهای اصلی توانمندسازی این گروه هدف بدل شده است (پتیدیو و گالولی، ۲۰۰۸؛ اکتر و همکاران، ۲۰۱۹). از این رو، عنابستانی و همکاران (۱۳۹۷) به بررسی نقش مدیریت پروژه‌های کارآفرینانه از طریق نظام صنفی کشاورزی و اثرگذاری آن در تحقق هدف‌های طرح‌های خوداشتغالی یعنی در توانمندسازی زنان پرداخته‌اند. نتایج تحقیق گویای آن بود که متغیر توانمندسازی با متغیر مدیریت پروژه‌های کارآفرینانه دارای رابطه‌ای مستقیم قوی بوده است بدین معنا که هرچه نقش مدیریت پروژه‌های کارآفرینانه افزایش یابد، توانمندی زنان کارآفرین نیز بیش تر خواهد شد. دستیابی به هدف‌های برابری جنسیتی و توانمندسازی فراگیر به گونه‌ای مطرح شده که مشارکت زنان در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی، محور بنیادین توسعه پایدار را تشکیل می‌دهد. در این باره، کارآفرینی یک راهبرد مناسب برای مبارزه با تهیدستی در بین زنان و در نتیجه، خانوارها و خلق و گردش ثروت در اجتماع‌های کم درآمد است. از این دید، نتایج تحقیق صورت گرفته در روستای چوب بست نشان داد که بین سرمایه‌ی روان‌شناختی و کارآفرینی اجتماعی زنان رابطه معنی داری وجود دارد (بهمنی و همکاران، ۱۳۹۹). آموزش مهارت‌های تسهیلات‌گزاران هم به عنوان یک کارکرد حرفه‌ای مجزا و هم برای تقویت توان کارکنان ترویج و عاملان توسعه روستایی برای ایفای دیگر نقش‌ها کارساز است. در این باره، سیر (۲۰۰۸) با پردازش

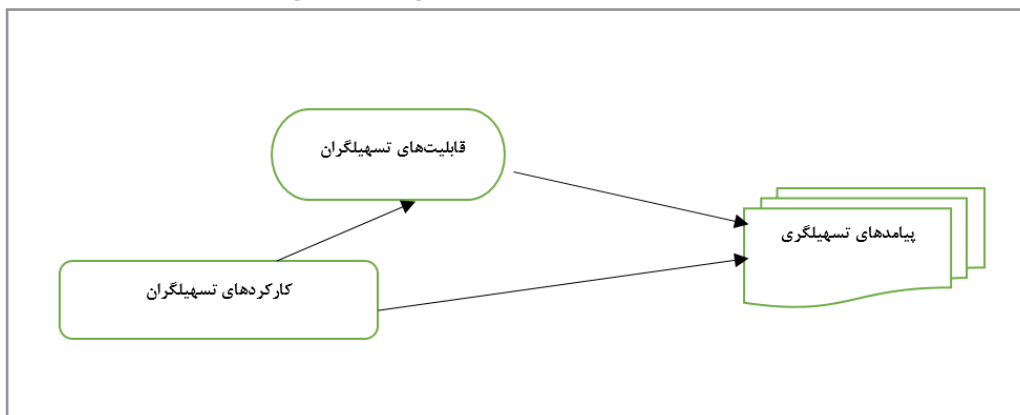
قدیمی غلبه کنند و در نتیجه تقویت ارزش‌های تعاونی در حین رفتارهای کارآفرینی، به بهبود و پایداری معیشت در شرایطی دست یابند که زمین‌های فرهنگی مربوطه مملو از بازدارنده‌ها و در عین حال فرصت برای توسعه اقتصادی - اجتماعی است. بهاتیا و سینگ (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی ابعاد اجتماعی، سیاسی و اقتصادی توانمندسازی زنان و ارتباط آن با شمول مالی پرداخته‌اند. این بررسی در برگیرنده زنان ساکن (n=۷۳۷) در محله‌های فقیرنشین شهری در شهر صنعتی لودیانا، پنجاب بوده است. نتیجه این تحقیق نشان داد که طرح PMJDY<sup>۱</sup> به ویژه در مورد زنان در محله‌های فقیرنشین بسیار موفق بوده و تأثیر مثبتی بر ابعاد اجتماعی، سیاسی و اقتصادی توانمندسازی زنان دارد. نتایج این بررسی موید نیاز بنیادین به توسعه نظام مالی رسمی برای افزایش مقیاس شمول مالی گروه‌های هدف در ابتکار عمل‌های تسهیلگری و توانمندسازی است. از نظر تاریخی، نقش "گروه‌های خودیاری" (SHGs) توسط نویسندگان مختلف مورد تأکید و نقش بسزای آنان در دگرگونی اقتصاد روستایی شناخته شده است. رشد این گروه‌ها به تجدید حیات قشر ضعیف جامعه از نظر دسترسی، موقعیت اجتماعی و پایداری کمک می‌کند. کدبودشری<sup>۲</sup> گروه خودیاری در کرالا، بزرگترین گروه خودیاری هند به شمار می‌آید. دولت کرالا برنامه‌ای را برای زنان فقیر در ۱۷ مه ۱۹۹۸ راه‌اندازی کرد. اعضای اصلی "کدبودشری" را "گروه‌های همسایگی" (NHGs) تشکیل می‌دهند و عملکرد کدبودشری مرهون فعالیت گروه‌های همسایگی است. در این باره، نتیجه مطالعه راجاگوپال (۲۰۲۰) بر روی نمونه‌ای از منطقه‌های قبیله‌ای و غیر قبیله‌ای در منطقه پالکاد<sup>۳</sup> کرالا با هدف بررسی پیامد اجتماعی گروه‌های همسایگی نشان داد که گروه‌های همسایگی یک بستر اجتماعی برای بهبود فعالیت‌های اجتماعی زنان و تقویت انسجام اجتماعی اعضای آن فراهم آورده است. با مرور

داده‌های کمی و کیفی گردآوری شده درباره موضوع‌های تحقیقاتی در قالب یک طرح توسعه‌ای چند ساله کارکنان ترویج تعاونی در دانشگاه ماین نشان داد که آموزش و تمرین تسهیلگری می‌تواند به طور موثر کارکنان ترویج را در کمک به گروه‌ها برای دستیابی به تغییرپذیری‌های مثبت آماده کند. آموزش تسهیلگری می‌تواند کارکنان ترویج را به تسهیلگران موثر و نیز اعضای اثرگذار گروه‌ها بدل سازد. چنین یافته‌ای مبین ارزش سازمانی و اجتماعی بلند مدت آموزش مهارت‌های کلیدی تسهیلگری به کارکنان ترویج است. بررسی توانمندسازی زنان روستایی از طریق ظرفیت‌سازی در برنامه‌های اعتباری خرد در منطقه تامیل نادو هند نشان داد ارتباط مثبت و معنی‌داری بین درآمد ماهانه خانواده و سطح توانمندسازی اقتصادی پاسخگویان وجود دارد و ایفای نقش حمایتی و تسهیلگری عامل‌های اجرایی این پروژه در تحقق این پیامدها کلیدی بوده است (سلواراج و سوگانیا، ۲۰۱۵). کاتره (۲۰۱۸) در بررسی خود به روش پدیدارشناختی تفسیری در پی درک ماهیت تجربه‌های احساسی زنان تهیدست روستایی در ایالت بیهار هند به عنوان عاملی برای چیرگی بر محدودیت‌های فرهنگی - اجتماعی درک شده و ترغیب آنان به کارآفرینی برآمده است. شرکت‌کنندگان در این بررسی، زنان مالک و مدیر کسب‌وکارهای تعاونی در حوزه صنایع دستی بوده‌اند. بنابر نتایج، کارآفرینی مبتنی بر مناسبت خواهرخواندگی در بین اعضاء، محیطی را برای تجربه‌های عاطفی مکرر فراهم می‌کند که عاملی برای القای تغییر وضع موجود است؛ خواهرخواندگی تعامل با الگوهای نقش، دریافت راهنمایی مریدان و انگیزش ناشی از تشویق متقابل را تسهیل می‌کند و محیط کاری تعاونی‌ها، برابری را تقویت و به زنان کمک می‌کند صدای منحصر به فرد خود را بیابند و در خانواده و اجتماع خود، تاثیرگذار واقع شوند. در مجموع، این اثرگذاری به زنان اجازه می‌دهد تا بر ترس‌های ناشی از عدول از سنت‌های

ابعاد موضوع، می‌توان سه مولفه را برای تبیین نقش آفرینی زنان تسهیلاتگر در پیشبرد کارآفرینی در نظر گرفت. چیدمان این مولفه‌ها بدین معناست که تسهیلاتگران با بهره‌گیری از قابلیت‌های تسهیلاتگری، به انجام کارکردهایی می‌پردازند که می‌تواند دستاوردها و پیامدهایی را برای توسعه فردی و اجتماعی در پی داشته

باشد (شکل ۱). بنابراین، به عنوان یک گزاره‌ی کلیدی برآمده از این الگو، رابطه معنی‌داری بین سه مولفه‌ی برخوردارگی از قابلیت تسهیلاتگری، انجام کارکرد تسهیلاتگری و دستیابی به پیامدهای سازنده (در اینجا، کارآفرینی زنان روستایی) انتظار می‌رود.

شکل ۱- الگوی مبین تسهیل کارآفرینی زنان روستایی



## روش شناسی

این تحقیق از لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ درجه نظارت و کنترل، میدانی غیرآزمایشی بود و به لحاظ روش‌شناسی و شیوه اجرا، به صورت پیمایش مقطعی در قالب طرح تحقیق توصیفی انجام شد. برای گردآوری اطلاعات میدانی از پرسشنامه به عنوان ابزار تحقیق استفاده شد. تدوین پرسشنامه به صورت تلفیقی با بهره‌گیری از گویه‌های مستخرج از مصاحبه‌ها و نیز مرور پیشینه صورت گرفت. این پرسشنامه در قالب چندین قسمت شامل: ویژگی‌های خانوادگی و فردی، تعامل و دریافت خدمات از سوی تسهیلاتگران، کارکردهای تسهیلاتگر، قابلیت‌ها و صلاحیت‌های تسهیلاتگر و در نهایت پیامدهای فعالیت تسهیلاتگران برای توسعه محلی و توانمندی تدوین شد. مقیاس ارزیابی مولفه‌های سه‌گانه مرتبط با تسهیلاتگری، از نوع رتبه‌ای بوده و با بهره‌گیری از طیف لیکرت پنج‌نقطه‌ای (از خیلی کم تا خیلی

زیاد) صورت گرفت. روایی صوری و محتوایی پرسشنامه از سوی کارگروه خبره مورد تأیید قرار گرفت و پایایی آن با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ و نیز پایایی ترکیبی مشخص شد.

جامعه آماری این تحقیق شامل زنان تحت پوشش خدمات تسهیلاتگری در منطقه مورد بررسی بود. بر مبنای اطلاعات به دست آمده در دوره اجرای تحقیق (نیمه دوم سال ۱۳۹۸ تا نیمه اول ۱۳۹۹) توسط جهاد کشاورزی شهرستان گالیکش شمار ۸۷۸ زن روستایی از خدمات تسهیلاتگری در قالب طرح‌های صندوق اعتبارات، پروژه ترسیب کربن و طرح کارآفرینی سبز که توسط جهاد کشاورزی، بنیاد برکت و بسیج سازندگی اجرا شده است، بهره‌مند شده‌اند. برای تعیین حجم نمونه با استفاده از جدول بارتلت و حاشیه خطای ۰/۰۵ شمار نمونه ۲۰۴ نفر تعیین شد. برای نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای با انتساب متناسب با توجه به طرح‌های اجرا شده در منطقه استفاده شد (جدول ۱).



جدول ۱- چگونگی انتساب نمونه‌ها با توجه به پروژه‌های تسهیلگری کارآفرینی زنان روستایی اجرا شده

نوع پروژه	زنان تحت پوشش	حجم نمونه تخصیصی
صندوق اعتبارات	۱۸۵	۴۳
ترسیب کربن	۴۵۰	۱۰۵
طرح کارآفرینی سبز	۲۴۳	۵۶
جمع	۸۷۸	۲۰۴

مالک زمین یا باغ و ۵۶/۴ درصد دارای دام بودند. میانگین درآمد پاسخگویان، ۷/۴ میلیون تومان گزارش شد. حدود ۴۲ درصد از پاسخگویان در دوره‌های آموزشی شرکت نکرده بودند. بیش تر پاسخگویان (۸۳/۳ درصد) عضو فعال صندوق خرد اعتبارات محل بودند. میانگین عضویت ۴/۵ سال به دست آمد. بنابر اطلاعات به دست آمده، ۴۷/۵ درصد از پاسخگویان تسهیلات دریافت کرده‌اند. به لحاظ فعالیت تولیدی/کسب و کار، ۲۵/۵ درصد از پاسخگویان به صورت فردی، ۱۴/۷ به صورت خانوادگی، ۱۰/۸ درصد به صورت گروهی و مابقی به صورت ترکیبی (فعالیت همزمان فردی، خانوادگی و گروهی) کار می‌کنند. بیش تر پاسخگویان (۶۲/۳ درصد) در شکل‌های تعاونی عضویت داشتند. ویژگی‌های مرتبط با تعامل با تسهیلگران: نزدیک به ۴۳ درصد پاسخگویان اظهار داشتند که تا کنون با سه تسهیلگر کار کرده‌اند. نزدیک به ۵۸ درصد پاسخگویان با تسهیلگران در چارچوب صندوق اعتبارات، ۲۴ درصد در قالب پروژه ترسیب کربن، ۱۷/۶ درصد در قالب طرح کارآفرینی سبز و مابقی، در قالب چند طرح همکاری داشته‌اند. از نظر دوره زمانی، ۴۲/۲ درصد افراد به صورت ماهانه و ۲۳/۵ درصد به صورت هر چند ماه یک بار و دیگران، به صورت نامنظم با تسهیلگر تعامل داشتند. در همین زمینه، ۵۳/۴ درصد افراد بیان کردند که صندوق مرتبط با تسهیلگری که با آن همکاری می‌کنند فعال است و ۴۴/۶ درصد افراد بیان کردند که از تسهیلگر آموزش و ۳۲/۴ درصد نیز مشاوره دریافت می‌کنند.

با توجه به تناسب بالا تلاش شد که نمونه‌ها از روستاهای مختلف گردآوری شود. در این راستا در این تحقیق شمار ۶ روستا از بین همه‌ی روستاهای تحت پوشش این طرح‌ها گزینش شد و نمونه‌ها از درون این روستاها گزینش شدند. در این تحقیق اطلاعات کمی با کمک نرم افزار SPSS<sub>۱۶</sub> و نرم‌افزار Smart PLS (روش حداقل مربعات جزئی جهت آزمون فرضیه‌ها و برازندگی مدل) استفاده شد.

## یافته‌ها

ویژگی‌های فردی و خانوادگی پاسخگویان: آمار توصیفی نشان داد میانگین سکونت پاسخگویان در منطقه ۲۹/۰۵ سال است. معیشت ۶۴/۲ درصد از پاسخگویان وابسته به کشاورزی، ۵۶/۴ درصد وابسته به دامداری و ۴۰/۷ درصد وابسته به کارگری روزمزد بود. حدود ۷۹ درصد از پاسخگویان سرپرست خانوار نبودند و ۸۸/۷ درصد بیان کردند که سرپرست خانوارشان شاغل است. بیش تر از ۸۱ درصد پاسخگویان، دارای خانوار از نوع هسته‌ای می‌باشند، نزدیک به ۷۷ درصد پاسخگویان بومی منطقه و بقیه مهاجر بودند. میانگین سنی افراد مورد بررسی ۳۶/۰۷ سال و بیش تر پاسخگویان (۳۴/۸ درصد) در گروه سنی ۳۶-۴۵ سال قرار داشتند. شغل اصلی بیش تر پاسخگویان (۸۹/۷ درصد) خانه‌دار بود. افزون بر خانه‌داری، ۶۵/۲ درصد به کار در کشت‌زار و باغ یا واحد تولیدی خانوادگی نیز مشغول بودند. به لحاظ وضعیت مالکیت، حدود ۶۵ درصد پاسخگویان

توصیف مولفه‌های سه‌گانه تسهیلگری کارآفرینی  
 زنان روستایی: ارزیابی کارکردهای تسهیلگر با ۲۰ گویه  
 نشانگر صورت گرفت. در این بین، گویه‌های "معرفی  
 فرصت‌های کسب‌وکار به جامعه محلی"، "شناساندن  
 ظرفیت‌های کارآفرینی و کسب‌وکار زنان مستعد به  
 مجامع و سازمان‌های حامی کارآفرینی اجتماعی" و  
 "شناسایی و کمک به شکوفایی استعداد‌های زنان برای  
 حضور در جامعه" رتبه بالاتری دارند (جدول ۲).

جدول ۲- توصیف گویه‌های سنجش کارکردهای تسهیلگری

رتبه	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	نشان	گویه‌ها
۱	۰/۳۸۳	۱/۳۳۰	۳/۴۷۵	F <sup>۱</sup>	معرفی فرصت‌های کسب‌وکار به جامعه محلی
۲	۰/۳۹۰	۱/۳۱۲	۳/۳۶۸	F <sup>۲</sup>	شناساندن ظرفیت‌های کارآفرینی و کسب و کار زنان مستعد به مجامع و سازمان‌های حامی کارآفرینی اجتماعی (بنیاد برکت و غیره..)
۳	۰/۳۹۷	۱/۲۸۳	۳/۲۳۰	F <sup>۳</sup>	شناسایی و کمک به شکوفایی استعداد‌های زنان برای حضور در جامعه
۴	۰/۴۰۴	۱/۳۷۳	۳/۳۹۷	F <sup>۴</sup>	کمک به جذب و تخصیص منبع و اعتبارات مالی برای کسب و کار زنان
۵	۰/۴۱۵	۱/۳۸۱	۳/۳۲۸	F <sup>۵</sup>	تحریک‌بخشی یا ایجاد انگیزه و شور و شوق در بین زنان
۶	۰/۴۱۸	۱/۲۹۶	۳/۱۰۳	F <sup>۶</sup>	تسهیل حضور فعال در رویدادهای کسب‌وکار و کارآفرینی محلی
۷	۰/۴۲۶	۱/۳۱۹	۳/۰۹۳	F <sup>۷</sup>	کمک به تامین نهاده‌ها و منبع مورد نیاز برای کسب و کار
۸	۰/۴۴۸	۱/۳۵۹	۳/۰۳۴	F <sup>۸</sup>	کمک به تشکیل تیم و گروه کسب و کار
۹	۰/۴۵۴	۱/۴۶۱	۳/۲۲۱	F <sup>۹</sup>	کمک به پس‌انداز و تشکیل سرمایه برای امور کسب‌وکار
۱۰	۰/۴۷۷	۱/۳۴۳	۲/۸۱۹	F <sup>۱۰</sup>	هماهنگی موثر با نهادهای محلی (شورا، دهیاری، بخشداری...)
۱۱	۰/۴۹۸	۱/۳۶۹	۲/۷۵۰	F <sup>۱۱</sup>	کمک به انجام امور اداری ذیربط
۱۲	۰/۵۱۳	۱/۰۸۲	۲/۱۰۸	F <sup>۱۲</sup>	بسیج و ساماندهی زنان و جامعه محلی در قالب مجامع مانند صندوق اعتبارات، پروژه‌های ترسیب کربن، کارآفرینی سبز ...
۱۳	۰/۵۲۱	۱/۲۰۸	۲/۳۱۹	F <sup>۱۳</sup>	ارایه راهنمایی و مساعدت فنی در زمینه تولید (انتقال دانش فنی)
۱۴	۰/۵۳۴	۱/۲۲۴	۲/۲۹۴	F <sup>۱۴</sup>	برگزاری دوره‌های آموزشی مهارتی کاربردی
۱۵	۰/۵۳۶	۱/۳۴۸	۲/۵۱۵	F <sup>۱۵</sup>	معرفی و برقراری تعامل و رابطه با افراد موثر و الگوهای موفق (شبکه‌سازی و تبادل تجربه)
۱۶	۰/۵۵۴	۱/۴۴۹	۲/۶۱۸	F <sup>۱۶</sup>	راهنمایی و مساعدت برای داد و ستد و فروش محصول فرآورده‌های تولیدی
۱۷	۰/۵۵۴	۱/۲۰۸	۲/۱۸۱	F <sup>۱۷</sup>	راهنمایی در زمینه امور مالی کسب و کار
۱۸	۰/۵۵۶	۱/۱۰۱	۱/۹۸۰	F <sup>۱۸</sup>	مدیریت موثر نشست‌ها و مجامع گروهی زنان در قالب صندوق خرد و غیره
۱۹	۰/۵۶۶	۱/۳۷۵	۲/۲۴۳	F <sup>۱۹</sup>	راهنمایی و مساعدت برای بسته‌بندی و آماده‌سازی محصول برای عرضه
۲۰	۰/۵۸۵	۱/۳۸۵	۳/۳۶۸	F <sup>۲۰</sup>	کمک به ایده‌پردازی و تدوین طرح کسب و کار



در بین ۲۰ گویه‌ی نشانگر قابلیت‌ها و صلاحیت‌های جامعه محلی " و "توانایی اداره نشست‌های گروهی" رتبه تسهیلگر (جدول ۳)، "درک و رعایت فرهنگ و هنجارهای روستایی"، "درک و شناخت وضعیت اجتماعی و فرهنگی

جدول ۳- توصیف گویه‌های سنجش قابلیت‌ها و صلاحیت‌های تسهیلگری

رتبه	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	نشان	گویه‌ها
۱	۰/۲۹۱	۱/۱۲۶	۲/۸۶۸	Ca <sup>۱</sup>	درک و رعایت فرهنگ و هنجارهای روستایی
۲	۰/۳۴۹	۱/۲۰۹	۳/۴۶۱	Ca <sup>۲</sup>	درک و شناخت وضعیت اجتماعی و فرهنگی جامعه محلی
۳	۰/۳۹۵	۱/۲۶۴	۲/۱۹۶	Ca <sup>۳</sup>	توانایی اداره نشست‌های گروهی (در قالب صندوق و دوره‌های محلی...)
۴	۰/۴۰۰	۱/۳۰۴	۳/۲۶۰	Ca <sup>۴</sup>	در دسترس بودن و تعامل موثر با گروه زنان مخاطب (دیدار منظم و تبادل نظر با آنها)
۵	۰/۴۰۷	۱/۳۷۶	۳/۳۸۲	Ca <sup>۵</sup>	آشنایی با بازار و توانمندی در زمینه معرفی و بازاریابی محصول و فرآورده‌های تولیدی
۶	۰/۴۳۲	۱/۳۵۹	۳/۱۴۲	Ca <sup>۶</sup>	پیشینه سکونت و کار و زندگی در روستا
۷	۰/۴۳۳	۱/۴۱۳	۳/۲۶۰	Ca <sup>۷</sup>	روحیه و تجربه مشارکت و کار گروهی
۸	۰/۴۴۵	۱/۲۹۹	۲/۹۲۲	Ca <sup>۸</sup>	مردمی بودن و تکریم مخاطبان
۹	۰/۴۴۸	۱/۳۷۱	۳/۰۵۹	Ca <sup>۹</sup>	توان نیازسنجی و برنامه‌ریزی امور به صورت مشارکتی
۱۰	۰/۴۵۱	۱/۲۸۳	۲/۸۴۸	Ca <sup>۱۰</sup>	توانایی ایفای نقش مربی با ارائه راهنمایی و مشاوره گام به گام
۱۱	۰/۴۵۹	۱/۲۸۷	۲/۸۰۴	Ca <sup>۱۱</sup>	برخورداری از شهرت و اعتبار اجتماعی
۱۲	۰/۴۸۱	۱/۲۵۳	۲/۶۰۳	Ca <sup>۱۲</sup>	آشنایی با امور حسابداری و مالی
۱۳	۰/۴۹۱	۱/۳۷۶	۲/۸۰۴	Ca <sup>۱۳</sup>	داشتن روحیه خلاقیت و کارآفرینی
۱۴	۰/۵۰۲	۱/۳۸۵	۲/۷۶۰	Ca <sup>۱۴</sup>	برخورداری از تحصیلات و آموزش‌های مرتبط
۱۵	۰/۵۰۳	۱/۱۳۲	۳/۲۵۰	Ca <sup>۱۵</sup>	میل به تسهیم اطلاعات و تبادل تجربه
۱۶	۰/۵۲۵	۱/۱۷۷	۲/۲۴۰	Ca <sup>۱۶</sup>	اطلاع و آگاهی از امور اداری و خدمات دولتی قابل عرضه به زنان
۱۷	۰/۵۳۲	۱/۴۱۷	۲/۶۶۲	Ca <sup>۱۷</sup>	توانایی رایزنی با صاحب نفوذان محلی برای پیشبرد کسب و کارها
۱۸	۰/۵۳۶	۱/۰۸۷	۲/۰۲۹	Ca <sup>۱۸</sup>	القای حس پشتیبانی و برقراری رابطه عاطفی با مخاطبان با بروز انگیزه، پشتکار، دلسوزی و مسئولیت‌پذیری
۱۹	۰/۵۷۸	۱/۳۵۸	۲/۳۴۸	Ca <sup>۱۹</sup>	پیشینه و تجربه کسب و کار و تسلط به موضوع‌های مرتبط با فعالیت اقتصادی
۲۰	۰/۶۳۰	۱/۳۴۰	۲/۱۲۷	Ca <sup>۲۰</sup>	توانایی رایزنی و حل و فصل مسئله‌ها و درگیری‌ها (مدیریت تعارض)

در بین ۱۵ نشانگر نمایای پیامدهای تسهیلگری (جدول ۴)، بالاترین رتبه، به "تفویت معیشت خانوارها"، "ارتقای فرهنگ محلی مبتنی بر کارآفرینی" و "بهره‌گیری و انتقال دانش بومی و میراث کسب و کار محلی و خانوادگی" اختصاص یافته است.

جدول ۴- توصیف گویه‌های سنجش پیامدهای تسهیلگری

رتبه	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	نشان	گویه‌ها
۱	۰/۳۱۵	۱/۱۳۷	۳/۶۱۳	CO <sup>۱</sup>	تقویت معیشت خانوارها (تنوع شغلی، کسب درآمد اصلی یا تکمیلی، پس‌انداز، افزایش ارزش دارایی‌ها)
۲	۰/۳۴۰	۱/۲۸۲	۳/۷۷۵	CO <sup>۲</sup>	ارتقای فرهنگ محلی مبتنی بر کارآفرینی
۳	۰/۳۴۲	۱/۱۸۰	۳/۴۵۱	CO <sup>۳</sup>	بهره‌گیری و انتقال دانش بومی و میراث کسب و کار محلی و خانوادگی
۴	۰/۳۶۳	۱/۲۵۳	۳/۴۵۱	CO <sup>۴</sup>	کاهش مهاجرت و افزایش تعلق مکانی
۵	۰/۳۹۰	۱/۲۹۵	۳/۳۲۴	CO <sup>۵</sup>	کمک به تاب‌آوری مردم محلی در مقابل مسئله‌های محیطی (تغییر اقلیم و ...)
۶	۰/۳۹۵	۱/۲۷۶	۳/۲۳۵	CO <sup>۶</sup>	کاهش تهیدستی و محرومیت
۷	۰/۴۱۶	۱/۳۴۳	۳/۲۳۰	CO <sup>۷</sup>	کاهش مسئله‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی
۸	۰/۴۲۱	۱/۳۶۳	۳/۲۴۰	CO <sup>۸</sup>	کمک به خودتکایی اقتصادی زنان از راه کسب درآمد، تملیک دارایی و پرورش قابلیت‌های مولد
۹	۰/۴۵۸	۱/۴۰۶	۳/۰۶۹	CO <sup>۹</sup>	تنوع بخشی به اقتصاد محلی مبتنی بر بهره‌برداری از ظرفیت‌های موجود در زمینه گردشگری، صنایع دستی، ...
۱۰	۰/۵۰۴	۱/۳۵۷	۲/۶۹۱	CO <sup>۱۰</sup>	افزایش سرمایه اجتماعی زنان (مشارکت، حضور، منزلت اجتماعی...)
۱۱	۰/۵۲۶	۱/۱۸۳	۲/۲۵۰	CO <sup>۱۱</sup>	ایجاد اشتغال مولد و کاهش بیکاری آشکار و پنهان در منطقه
۱۲	۰/۵۳۶	۱/۴۷۳	۲/۷۵۰	CO <sup>۱۲</sup>	حفظ منابع طبیعی
۱۳	۰/۵۴۷	۱/۲۲۷	۲/۲۴۵	CO <sup>۱۳</sup>	توسعه سرمایه انسانی زنان
۱۴	۰/۵۵۵	۱/۲۲۹	۲/۲۱۶	CO <sup>۱۴</sup>	توسعه زنجیره ارزش محصولات محلی
۱۵	۰/۵۹۶	۱/۲۰۱	۲/۰۱۵	CO <sup>۱۵</sup>	توسعه بازار محلی

کردند. سرانجام، ۲۵ درصد پاسخگویان پیامدهای فعالیت تسهیلگران برای توسعه محلی و توانمندی زنان را در سطح ضعیف، ۴۶/۵۷ درصد در سطح متوسط و ۲۸/۴۳ درصد در سطح خوب ارزیابی کردند.

برای توصیف بهتر سه مولفه؛ به محاسبه نمره ترکیبی در بازه رقمی بین صفر و یک اقدام شد. بر این اساس، ۳۶/۷۶ درصد پاسخگویان کارکردهای تسهیلگران را در سطح ضعیف، ۴۷/۰۶ درصد در سطح متوسط و ۱۶/۱۸ درصد در سطح خوب ارزیابی کردند. همچنین اطلاعات نشان می‌دهد که، ۳۲/۸۴ درصد پاسخگویان قابلیت‌های تسهیلگران را در سطح ضعیف، ۵۲/۹۴ درصد در سطح متوسط و ۱۴/۲۲ درصد در سطح خوب ارزیابی

جدول ۵- طبقه‌بندی وضعیت مولفه‌های سه‌گانه تسهیلگری کارآفرینی زنان

وضعیت مولفه‌ها	کارکردها			قابلیت‌ها			پیامدها	
	دامنه طبقه	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	
ضعیف	۰/۰-۰/۳۳	۷۵	۳۶/۷۶	۶۷	۳۲/۸۴	۵۱	۲۵/۰۰	
متوسط	۰/۰-۳۴/۶۶	۹۶	۴۷/۰۶	۱۰۸	۵۲/۹۴	۹۵	۴۶/۵۷	
خوب	۰/۱-۶۶/۰	۳۳	۱۶/۱۸	۲۹	۱۴/۲۲	۵۸	۲۸/۴۳	

برای مقایسه میزان اهمیت هر کدام از سه مؤلفه مورد بررسی از آزمون فریدمن استفاده شد که نتایج بیانگر اهمیت متفاوت آنها است. بر این اساس، مؤلفه پیامدهای فعالیت تسهیلگران برای توسعه کارآفرینی و توانمندی زنان دارای اهمیت بالاتری بوده است و پس از آن به ترتیب قابلیت‌ها و صلاحیت‌های تسهیلگر و کارکردهای تسهیلگر قرار دارند (جدول ۶).

جدول ۶- مقایسه مولفه‌های سه‌گانه تسهیلگری کارآفرینی زنان

مؤلفه‌ها	میانگین حسابی	انحراف معیار	میانگین رتبه‌ای
پیامدهای فعالیت تسهیلگران	۴/۰۷	۱/۸۷	۲/۲۸
قابلیت‌ها و صلاحیت‌های تسهیلگر	۳/۷۰	۲/۲۱	۱/۹۵
کارکردهای تسهیلگر	۳/۵۰	۲/۱۰	۱/۷۷

مقدار کای اسکویئر: ۲۸/۰۹، معنی داری: ۰/۰۰۰

دارای دام هستند پیامدهای فعالیت تسهیلگر برای توسعه اشتغال را بالاتر ارزیابی کرده‌اند. وضعیت تأهل و دریافت تسهیلات نیز بر ارزیابی از پیامدهای فعالیت تسهیلگر تأثیرگذار است. در واقع افراد متأهل و افرادی که تسهیلات دریافت کرده‌اند میانگین رتبه‌ای بالاتری در مقایسه با افراد مجرد و افرادی که تسهیلات دریافت نکرده‌اند در زمینه مؤلفه پیامدهای فعالیت تسهیلگران برای توسعه محلی و توانمندی زنان دارا هستند. بین افرادی که در دوره آموزشی شرکت کرده‌اند و افرادی که شرکت نکرده‌اند در زمینه مؤلفه‌های کارکرد و پیامد تفاوت معنی داری وجود دارد. در هر دو مورد در دوره آموزشی شرکت کرده‌اند کارکرد تسهیل و پیامد فعالیت آن را بالاتر ارزیابی کرده‌اند.

مقایسه مولفه‌های سه‌گانه تسهیلگری کارآفرینی زنان: برای مقایسه سه مؤلفه کارکرد، قابلیت و پیامد در بین گروه‌های مختلف پاسخگویان، ابتدا میانگین ردیفی گویه‌های مربوط به هر دسته از مؤلفه‌ها محاسبه شد. سپس از طریق آزمون من‌وابتنی (بین گروه‌های دوتایی) و کروسکال والیس (برای گروه‌های چندگانه) میانگین مؤلفه‌ها مقایسه شد. بنابر یافته‌ها (جدول ۷)، بین افراد مالک زمین/باغ در زمینه مؤلفه‌های کارکرد و پیامد تفاوت معنی داری وجود دارد. در هر دو مورد افرادی که مالک زمین/باغ هستند کارکرد تسهیل و پیامد فعالیت آن را بالاتر ارزیابی کرده‌اند. همچنین افراد دارای دام و بدون دام نیز در خصوص مؤلفه پیامد تفاوت معنی داری دارند و افرادی که

جدول ۷- مقایسه مولفه‌های سه‌گانه تسهیلگری کارآفرینی زنان در بین گروه‌های دوگانه پاسخگویان (آزمون من‌وایتنی)

مؤلفه‌ها		کارکرد		قابلیت		پیامد	
گروه پاسخگویان	میانگین رتبه‌ای	مقدار Z (sig)	میانگین رتبه‌ای	مقدار Z (sig)	میانگین رتبه‌ای	مقدار Z (sig)	میانگین رتبه‌ای
سرپرستی خانوار							
بله	۹۷/۵۳	-۰/۴۲۳	۹۷/۷۵	-۰/۳۹۵	۱۰۰/۱۶	-۰/۱۰۲	
خیر	۱۰۱/۸۶	(۰/۶۷۲)	۱۰۱/۸۱	(۰/۶۹۳)	۱۰۱/۲۱	(۰/۹۱۹)	
نوع خانوار							
هسته‌ای	۱۰۰/۹۶	-۰/۵۳۶	۱۰۲/۲۳	-۰/۱۱۸	۱۰۱/۲۸	-۰/۳۶۹	
گسترده	۱۰۶/۶۸	(۰/۵۹۲)	۱۰۰/۷۱	(۰/۹۰۶)	۱۰۵/۲۲	(۰/۷۱۲)	
بومی بودن							
بله	۱۱۰/۳۳	-۰/۸۶۷	۹۴/۳۰	-۰/۵۴۷	۱۰۹/۹۸	-۰/۸۳۷	
خیر	۹۹/۲۲	(۰/۳۸۶)	۱۰۱/۳۱	(۰/۵۸۵)	۹۹/۲۷	(۰/۴۰۳)	
وضعیت اشتغال سرپرست							
بله	۹۹/۳۵	-۱/۲۱۲	۱۰۰/۸۰	-۳/۱۴۸	۱۰۰/۰۳	-۰/۷۱۰	
خیر	۱۱۵/۹۳	(۰/۲۲۶)	۱۰۲/۸۳	(۰/۸۸۲)	۱۰۹/۷۵	(۰/۴۷۷)	
مالکیت زمین/باغ							
بله	۱۰۹/۶۰	-۲/۷۰۷	۱۰۰/۵۹	-۰/۳۰۴	۱۱۱/۷۵	-۳/۴۲۹	
خیر	۸۶/۲۳	(۰/۰۰۷)**	۱۰۳/۲۱	(۰/۷۶۱)	۸۲/۱۶	(۰/۰۰۱)**	
وضعیت دامداری							
دارای دام	۹۹/۵۴	-۰/۲۰۳	۱۰۱/۷۴	-۰/۲۶۰	۱۱۸/۱۱	-۳/۷۰۴	
بدون دام	۱۰۱/۲۱	(۰/۸۳۹)	۹۹/۵۹	(۰/۷۹۵)	۸۷/۴۹	(۰/۰۰۰)**	
وضعیت تأهل							
بله	۱۰۰/۸۰	-۰/۱۱۰	۹۵/۰۵	-۱/۰۰۹	۱۰۶/۹۴	-۲/۰۶۴	
خیر	۱۰۱/۷۹	(۰/۹۱۲)	۱۰۴/۱۶	(۰/۳۱۳)	۸۸/۳۱	(۰/۰۳۹)*	
عضویت در صندوق							
بله	۹۹/۲۳	-۰/۲۹۷	۹۵/۰۰	-۰/۷۴۹	۹۷/۳۹	-۰/۴۹۳	
خیر	۱۰۲/۵۴	(۰/۷۶۷)	۱۰۳/۳۶	(۰/۴۵۴)	۱۰۲/۸۹	(۰/۶۲۲)	
دریافت تسهیلات							
بله	۹۱/۶۷	-۱/۸۸۷	۹۷/۸۹	-۰/۳۸۸	۱۱۵/۱۲	-۳/۷۶۵	
خیر	۱۰۷/۰۲	(۰/۰۵۹)	۱۰۱/۰۴	(۰/۶۹۸)	۸۴/۵۰	(۰/۰۰۰)**	
شرکت در دوره آموزشی							
بله	۱۱۵/۱۲	-۲/۸۹۲	۹۸/۱۶	-۰/۵۸۱	۱۱۳/۷۷	-۲/۶۱۵	
خیر	۹۱/۰۷	(۰/۰۰۴)**	۱۰۳/۰۰	(۰/۵۶۱)	۹۲/۰۲	(۰/۰۰۹)**	
عضویت در تعاونی							
بله	۱۰۳/۵۳	-۰/۴۸۱	۱۰۴/۷۷	-۰/۸۶۹	۹۷/۹۲	-۱/۲۸۲	
خیر	۹۹/۴۴	(۰/۶۳۰)	۹۷/۳۸	(۰/۳۸۵)	۱۰۸/۸۲	(۰/۲۰۰)	

\* معنی‌داری سطح ۰/۰۵، \*\* معنی‌داری سطح ۰/۰۱

همچنین یافته‌ها نشان داد کیفیت فعالیت در صندوق بر ارزیابی از قابلیت تسهیلگران تأثیرگذار است و افرادی که به صورت منظم فعالیت می‌کنند ارزیابی بهتری از قابلیت تسهیلگر ارائه می‌کنند. چارچوب همکاری با تسهیلگر بر کارکرد و پیامد تأثیرگذار است. افرادی که در پروژه ترسیب کربن کار می‌کنند کارکرد تسهیلگر را بالاتر و افرادی که طرح کارآفرینی سبز کار می‌کنند پیامد فعالیت تسهیلگر را بهتر ارزیابی می‌کنند. در نهایت بازه تعامل نیز بر ارزیابی از قابلیت تسهیلگر تأثیرگذار است و افرادی که به صورت هفتگی با تسهیلگر تعامل دارند ارزیابی بهتری از قابلیت تسهیلگر دارند (جدول ۸).

جدول ۸- مقایسه مولفه‌های سه‌گانه تسهیلگری کارآفرینی زنان در بین گروه‌های پاسخگویان (آزمون کروسکال والیس)

مؤلفه‌ها		کارکرد		قابلیت		پیامد
گروه پاسخگویان	میانگین رتبه‌ای	میانگین رتبه‌ای	میانگین رتبه‌ای	میانگین رتبه‌ای	میانگین رتبه‌ای	آزمون (sig)
کیفیت فعالیت در صندوق						
منظم	۱۰۱/۶۶	۱۱۴/۷۲	۹۷/۴۵	۹۵/۳۷	۹۲/۲۰۴	۰/۰۸۴
متناوب	۱۰۴/۰۵	۹۷/۴۵	۹۷/۴۵	۱۱۰/۰۹	۹۲/۲۰۴	۰/۰۸۴
راکد	۱۰۱/۳۷	۸۱/۰۰	۸۱/۰۰	۱۰۴/۹۶	۹۲/۲۰۴	۰/۰۸۴
حیطه فعالیت تعاونی						
زراعی	۱۰۰/۰۵	۱۰۰/۳۴	۱۰۱/۱۷	۹۳/۴۳	۰/۱۹۴	۲/۵۱۵
دامی	۱۰۸/۰۹	۱۰۱/۱۷	۱۰۱/۱۷	۱۰۷/۴۶	۰/۱۹۴	۲/۵۱۵
صنایع دستی	۸۹/۱۱	۱۰۵/۵۸	۱۰۵/۵۸	۱۰۹/۳۰	۰/۱۹۴	۲/۵۱۵
چارچوب همکاری با تسهیلگر						
صندوق اعتبارات	۱۱۶/۳۷	۱۰۰/۷۲	۱۰۸/۲۴	۹۵/۵۹	۰/۸۰۵	۱۷/۱۴۸
پروژه ترسیب کربن	۷۹/۳۳	۱۰۸/۲۴	۱۰۸/۲۴	۹۴/۹۷	۰/۸۰۵	۱۷/۱۴۸
طرح کارآفرینی سبز	۸/۷۵	۹۷/۷۱	۹۷/۷۱	۱۳۲/۵۷	۰/۸۰۵	۱۷/۱۴۸
بازه تعامل						
هفتگی	۹۹/۴۵	۱۲۸/۴۸	۸۶/۹۹	۹۶/۸۶	۱۵/۹۰۳	۲/۵۴۴
ماهانه	۱۰۶/۴۱	۸۶/۹۹	۸۶/۹۹	۱۰۳/۰۱	۱۵/۹۰۳	۲/۵۴۴
هر چند ماه یکبار	۹۰/۰۴	۹۸/۲۹	۹۸/۲۹	۹۵/۴۴	۱۵/۹۰۳	۲/۵۴۴
سالانه	۹۷/۵۰	۹۴/۲۴	۹۴/۲۴	۱۰۵/۵۰	۱۵/۹۰۳	۲/۵۴۴
خدمات دریافتی						
آموزش (دوره آموزشی)	۹۳/۶۲	۱۰۲/۵۵	۱۰۲/۵۵	۹۹/۱۴	۱۰۲/۵۵	۹۳/۶۲
مشاوره	۱۱۱/۰۹	۱۰۳/۱۲	۱۰۳/۱۲	۹۶/۱۸	۱۰۳/۱۲	۱۱۱/۰۹
اطلاعات	۱۰۷/۰۰	۹۹/۷۸	۹۹/۷۸	۹۸/۳۸	۵/۷۹۹	۴/۲۲۹
تسهیل امور عضویت	۱۱۳/۳۳	۴۸/۴۲	۴۸/۴۲	۱۴۰/۷۵	۰/۳۲۶	۰/۵۱۷
حمایت مالی/اعتباری	۹۲/۷۸	۱۰۷/۵۶	۱۰۷/۵۶	۱۳۵/۳۹	۱۰۷/۵۶	۹۲/۷۸
حمایت معنوی و اجتماعی	۹۲/۳۰	۱۲۲/۴۰	۱۲۲/۴۰	۱۲۲/۱۰	۱۲۲/۴۰	۹۲/۳۰

\* معنی‌داری سطح ۰/۰۵، \*\* معنی‌داری سطح ۰/۰۱

**همبستگی مولفه‌های سه‌گانه تسهیلگری کارآفرینی زنان و متغیرهای مورد بررسی:** محاسبه ضریب همبستگی اسپیرمن نشان داد که سه مؤلفه مورد بررسی با همدیگر رابطه مثبت و معنی داری دارند. همچنین بین نمره کارکرد تسهیلگر و قابلیت تسهیلگر با متغیر تحصیلات رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. با افزایش تحصیلات، پاسخگویان کارکرد و قابلیت تسهیلگر را بهتر ارزیابی می‌کنند. افزون بر این، متغیر پیشینه

فعالیت در کسب و کار نیز با متغیر ارزیابی از قابلیت تسهیلگر و پیامد فعالیت او رابطه مثبت معنی داری دارد. در نهایت بین متغیرهای میزان تسهیلات دریافتی، شمار تسهیلگر همکار با متغیر پیامدهای فعالیت تسهیلگر رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. به طوری که با افزایش میزان تسهیلات دریافتی و شمار تسهیلگر همکار ارزیابی پاسخگویان از پیامدهای فعالیت تسهیلگر بهبود می‌یابد (جدول ۹).

جدول ۹- نتایج ضریب همبستگی اسپیرمن سه مولفه کارکرد، قابلیت و پیامد با سایر متغیرها

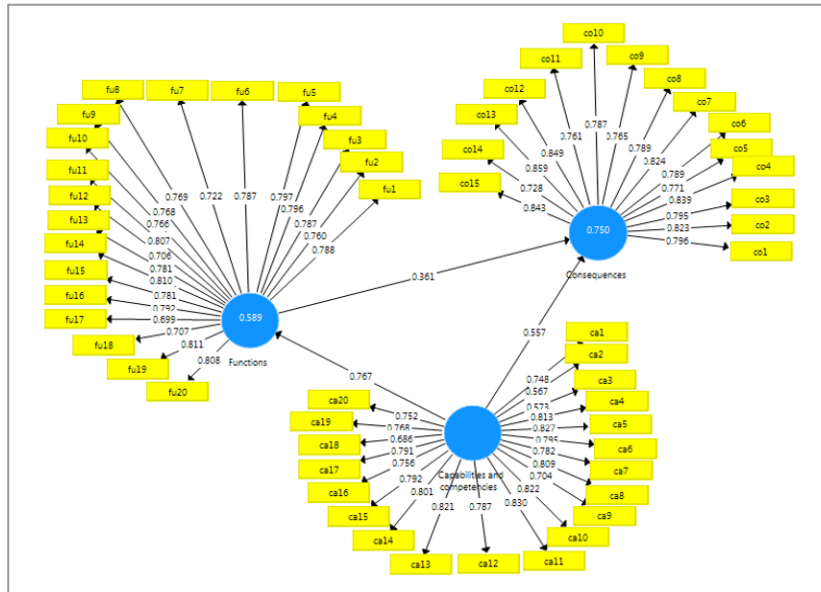
پیامد		قابلیت		کارکرد		متغیرها
sig	مقدار آزمون	sig	مقدار آزمون	sig	مقدار آزمون	
۰/۸۳۴	۰/۰۱۵	۰/۶۲۵	۰/۰۳۲	۰/۲۰۴	۰/۰۴۹	شمار اعضای خانواده
۰/۵۹۲	-۰/۰۳۹	۰/۷۰۵	-۰/۰۲۷	۰/۸۱۳	-۰/۰۱۷	پیشینه سکونت
۰/۶۷۳	-۰/۰۳۰	۰/۱۸۹	-۰/۰۹۳	۰/۳۶۹	-۰/۰۶۵	سن
۰/۰۵۹	۰/۱۳۳	۰/۰۴۱	*۰/۱۴۹	۰/۰۰۰	**۰/۲۸۹	تحصیلات
۰/۱۷۱	۰/۰۹۶	۰/۰۷۶	۰/۱۲۶	۰/۲۵۰	۰/۰۸۱	پیشینه عضویت در تعاونی
۰/۰۳۰	*۰/۱۵۴	۰/۰۷۱	۰/۱۲۸	۰/۰۸۳	۰/۱۲۲	میزان تسهیلات دریافتی
۰/۰۶۵	۰/۱۳۰	۰/۸۲۸	۰/۰۲۰	۰/۸۲۳	۰/۰۱۶	درآمد
۰/۰۰۹	**۰/۱۸۳	۰/۰۱۵	*۰/۱۷۰	۰/۱۹۲	۰/۰۷۴	پیشینه فعالیت در کسب و کار
۰/۰۰۳	**۰/۲۱۷	۰/۲۵۷	۰/۰۸۰	۰/۵۲۸	۰/۰۴۵	شمار تسهیلگر همکار
۰/۳۲۵	۰/۰۶۹	۰/۶۲۵	۰/۰۳۵	۰/۸۹۱	۰/۰۱۰	رضایت از زندگی
۰/۰۰۰	**۰/۴۱۸	۰/۰۰۰	**۰/۵۳۰	-	-	کارکرد
۰/۰۰۰	**۰/۲۹۶	-	-	۰/۰۰۰	**۰/۵۳۰	قابلیت
-	-	۰/۰۰۰	**۰/۲۹۶	۰/۰۰۰	**۰/۴۱۸	پیامد

\* معنی داری سطح ۰/۰۵، \*\* معنی داری سطح ۰/۰۱

تحلیل مولفه‌های سه‌گانه تسهیلگری زنان روستایی مبتنی بر مدل معادله‌های ساختاری: متغیرهای مورد تحلیل در قالب الگوی تحقیق شامل: کارکردهای تسهیلگر، قابلیت‌ها و صلاحیت‌های تسهیلگر و در نهایت پیامدهای فعالیت تسهیلگران برای توسعه محلی و توانمندی می‌باشد. این متغیرهای مکنون (۳ متغیر مکنون) به وسیله نشانگرهای نمایا (۵۵ نشانگر)، سنجش و

اندازه‌گیری شدند. به منظور بررسی و تحلیل رابطه‌های خطی بین این متغیرها از مدل معادله‌های ساختاری استفاده شد. داده‌های پژوهش به منظور تأیید روایی و پایایی ارزیابی شدند و دو مدل اندازه‌گیری و ساختاری در بین متغیرهای پژوهش بررسی شدند.

شکل ۲- مدل ساختاری ترسیم شده در نرم‌افزار PLS



دست کم در سطح ۰/۰۱ معنادار باشد. برخی کم‌ترین مقدار ۰/۵ را به عنوان دامنه پذیرش بارعاملی مدل اندازه‌گیری برگزیده‌اند؛ چنانچه این مقدار کم‌تر از ۰/۷ بوده ولی شمار مشاهده‌پذیرها کم باشد و AVE متغیر مربوطه بالای ۰/۵ باشد، می‌توان متغیر مشاهده‌پذیر را در مدل اندازه‌گیری حفظ نمود (چین، ۱۹۹۸).

برای بررسی پایایی مدل در نرم‌افزار PLS، به محاسبه بارهای عاملی، ضریب آلفای کرونباخ و نیز پایایی ترکیبی اقدام شد (شکل ۳ و جدول ۱۰). در این بین، بارهای عاملی از طریق محاسبه مقدار همبستگی شاخص‌های یک‌سازه با آن‌سازه مشخص می‌شوند. بار عاملی ۰/۷ و بیشتر هر گویه در تحلیل عاملی تاییدی نشانگر سازه خوب تعریف شده است و همچنین بار عاملی گویه‌ها باید

جدول ۱۰- بار عاملی هر یک از متغیرهای آشکار پژوهش

پیامدها		کارکردها		قابلیت‌ها	
بارعاملی	نماد	بارعاملی	نماد	بارعاملی	نماد
۰/۷۹۶	co1	۰/۷۸۸	fu1	۰/۷۴۸	ca1
۰/۸۲۳	co2	۰/۷۶۰	fu2	۰/۵۶۷	ca2
۰/۷۹۵	co3	۰/۷۸۷	fu3	۰/۵۷۳	ca3
۰/۸۳۹	co4	۰/۷۹۶	fu4	۰/۸۱۳	ca4
۰/۷۷۱	co5	۰/۷۹۷	fu5	۰/۸۲۷	ca5
۰/۷۸۹	co6	۰/۷۸۷	fu6	۰/۷۹۵	ca6
۰/۸۲۴	co7	۰/۷۲۲	fu7	۰/۷۸۲	ca7
۰/۷۸۹	co8	۰/۷۶۹	fu8	۰/۸۰۹	ca8
۰/۷۶۵	co9	۰/۷۶۸	fu9	۰/۷۰۴	ca9
۰/۷۸۷	co10	۰/۷۶۶	fu10	۰/۸۲۲	ca10



ادامه جدول ۱۰- بار عاملی هر یک از متغیرهای آشکار پژوهش

پیامدها		کارکردها		قابلیت‌ها	
بارعاملی	نماد	بارعاملی	نماد	بارعاملی	نماد
۰/۷۶۱	co11	۰/۸۰۷	fu11	۰/۸۳۰	ca11
۰/۸۴۹	co12	۰/۷۰۶	fu12	۰/۷۸۷	ca12
۰/۸۵۹	co13	۰/۷۸۱	fu13	۰/۸۲۱	ca13
۰/۷۲۸	co14	۰/۸۱۰	fu14	۰/۸۰۱	ca14
۰/۸۴۳	co15	۰/۷۸۱	fu15	۰/۷۹۲	ca15
		۰/۷۹۲	fu16	۰/۷۵۶	ca16
		۰/۶۹۹	fu17	۰/۷۹۱	ca17
		۰/۷۰۷	fu18	۰/۶۸۶	ca18
		۰/۸۱۱	fu19	۰/۷۶۸	ca19
		۰/۸۰۸	fu20	۰/۷۵۲	ca20

که پایایی سازه‌ها نه به صورت مطلق بلکه با توجه به همبستگی سازه‌هایشان با یکدیگر محاسبه می‌شود سازه‌هایی که مقدار CR آن‌ها بالاتر از مقدار ۰/۶ باشد پایایی قابل قبولی دارند و هر چه این مقدار به یک نزدیکتر باشد، پایایی آن بیشتر است (رایکو، ۱۹۹۸). بر این پایه، نتایج بدست‌آمده از پایایی متغیرهای پنهان در حد قابل قبولی است (جدول ۱۱).

آلفای کرونباخ برای پایداری درونی، میزان همبستگی بین یک سازه و شاخص‌های مربوط به آن را ارزیابی می‌کند. برای آلفای کرونباخ مقدار بالای ۰/۹ عالی، ۰/۸ خوب، مقدار بالای ۰/۷ قابل قبول است. پایایی ترکیبی همچون آلفای کرونباخ، پایایی درونی سازه‌ها را ارزیابی می‌کند و برتری آن نسبت به آلفای کرونباخ در این است

جدول ۱۱- آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی و متوسط واریانس استخراج شده متغیرهای پنهان

متغیرها	آلفای کرونباخ	CR	AVE
کارکردهای تسهیلگران	۰/۹۶۴	۰/۹۶۷	۰/۵۹۷
قابلیت‌ها و صلاحیت‌های تسهیلگران	۰/۹۶۲	۰/۹۶۲	۰/۵۸۵
پیامدهای فعالیت تسهیلگران	۰/۹۶۰	۰/۹۶۳	۰/۶۴۳

آزمون روایی مدل اندازه‌گیری: به طور کلی روایی ابزار تعیین می‌کند که پرسش مطرح‌شده در پرسشنامه آیا همان مفهومی که پژوهشگر مورد نظر دارد را می‌سنجد یا خیر. برای این منظور از میانگین واریانس استخراج شده و آزمون فورنل و لارکر استفاده شد. در راستای روایی تشخیصی همگرا (Validity Convergent)، از روش تعیین میانگین واریانس استخراج شده به منظور تعیین روایی ابزار اندازه‌گیری استفاده شد. روایی همگرا به بررسی میزان همبستگی هر سازه با متغیرها (شاخص‌ها) خود می‌پردازد. فورنل و لاکر مقادیر ۰/۵ و بیشتر را برای متوسط واریانس استخراج شده سازه‌ها توصیه می‌کنند. سازه‌هایی که مقدار

آزمون روایی مدل اندازه‌گیری: به طور کلی روایی ابزار تعیین می‌کند که پرسش مطرح‌شده در پرسشنامه آیا همان مفهومی که پژوهشگر مورد نظر دارد را می‌سنجد یا خیر. برای این منظور از میانگین واریانس استخراج شده و آزمون فورنل و لارکر استفاده شد. در راستای روایی تشخیصی همگرا (Validity Convergent)،

AVE آن‌ها بالاتر از ۰/۵ باشد، روایی قابل قبولی دارند (ایگلسیاس، ۲۰۰۴) و این امر به معنای آن است که سازه مورد نظر حدود ۵۰ درصد و یا بیشتر واریانس نشانگرهای خود را تبیین می‌کند (چین، ۱۹۸۸). یافته‌ها نشان‌دهنده، روایی همگرایی بالای متغیرهای پژوهش می‌باشد (جدول ۱۱). برای سنجش روایی تشخیصی واگرایی ابزار اندازه‌گیری از آزمون فورنل و لارکر استفاده شد (جدول ۱۲). طبق این معیار، یک متغیر پنهان در مقایسه با دیگر متغیرهای پنهان، باید

پراکندگی بیش‌تری را در بین مشاهده‌پذیرهای خود داشته باشد. جذر میانگین واریانس استخراج شده هر متغیر پنهان باید بیش‌تر از بیشینه همبستگی آن متغیر با دیگر متغیرهای پنهان مدل باشد. این شاخص از ترکیب مقدار همبستگی بین متغیرهای پنهان و متوسط واریانس استخراج شده به دست خواهد آمد. همچنین، مقدار زیر ۵ برای شاخص تورم واریانس نشان‌دهنده روایی مدل اندازه‌گیری ترکیبی می‌باشد (جدول ۱۳).

جدول ۱۲- همبستگی و روایی عامل‌ها و متغیرهای تحقیق

پیامدهای فعالیت تسهیلگران	قابلیت‌ها و صلاحیت‌های تسهیلگر	کارکردهای تسهیلگر	
		۰/۷۷۳*	کارکردهای تسهیلگر
	۰/۷۶۵*	۰/۶۵۰	قابلیت‌ها و صلاحیت‌های تسهیلگر
۰/۸۰۲*	۰/۷۱۷	۰/۶۰۳	پیامدهای فعالیت تسهیلگران

\* جذر میانگین واریانس استخراج شده (AVE) هر یک از سازه‌ها

جدول ۱۳- مقدار شاخص تورم واریانس

شاخص تورم واریانس VIF	متغیر
۲/۴۳۳	قابلیت‌ها و صلاحیت‌های تسهیلگر ← پیامدها
۱/۰۰۰	قابلیت‌ها و صلاحیت‌های تسهیلگر کارکردهای ← تسهیلگر
۲/۴۳۰	کارکردهای تسهیلگر ← پیامدها

است، صحت رابطه بین قابلیت‌ها و صلاحیت‌های تسهیلگر و پیامدهای فعالیت‌های تسهیلگران را در سطح اطمینان ۹۹٪ نشان می‌دهد. مسیر بین قابلیت‌ها و صلاحیت‌های تسهیلگر و کارکردهای تسهیلگر دارای ضریب معناداری ۱۰/۸۵۹ می‌باشد، که صحت رابطه بین آنها را در سطح اطمینان ۹۹٪ نشان می‌دهد. مسیر بین کارکردهای تسهیلگر و پیامدهای فعالیت‌های تسهیلگران دارای ضریب معناداری ۲/۷۶۸ می‌باشد، صحت رابطه بین کارکردهای تسهیلگر و پیامدها را در سطح اطمینان ۹۹٪

## برازش مدل ساختاری

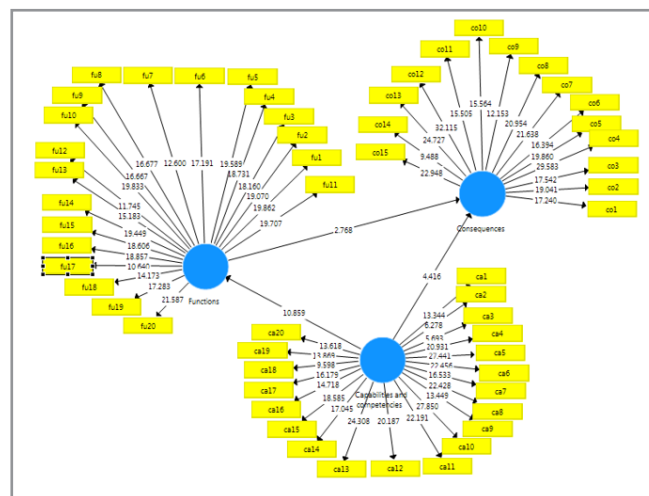
سنجش ضریب‌های معناداری Z (t-values) معیاری برای سنجش رابطه‌ی بین سازه‌ها در مدل (بخش ساختاری) می‌باشد. در سطح اطمینان ۹۰ درصد، ۹۵ درصد و ۹۹ درصد این مقدار به ترتیب با حداقل آماره تی ۱/۶۴، ۱/۹۶ و ۲/۵۸ مقایسه می‌شود (شکل ۴). نتایج نشان می‌دهد مسیر بین قابلیت‌ها و صلاحیت‌های تسهیلگر و پیامدها دارای ضریب معناداری ۴/۴۱۶ می‌باشد. با توجه به اینکه این مقدار از ۲/۵۸ بیش‌تر

نشان می دهد. همچنین برای کنترل کردن معناداری رابطه های میان هر پرسش و متغیر مربوطه نیز می توان از ضریب های معناداری Z استفاده کرد (جدول ۱۴).

جدول ۱۴- ضریب های مسیر و معنی داری Z

P	T	ضریب مسیر	متغیر
۰/۰۰۰	۴/۴۱۶	۰/۵۵۷	قابلیت ها و صلاحیت های تسهیلگر ← پیامدها
۰/۰۰۶	۲/۷۶۸	۰/۳۶۱	قابلیت ها و صلاحیت های تسهیلگر ← کارکردها
۰/۰۰۶	۲/۷۶۸	۰/۳۶۱	کارکردهای تسهیلگر ← پیامدها

شکل ۳- ضریب های معنی داری Z در مدل ترسیم شده در PLS



R2 معیار دیگری است که نشان از تأثیر یک متغیر برون زا بر یک متغیر درون زا دارد و سه مقدار (۰/۶۷، ۰/۳۳، ۰/۱۹) به عنوان مقدار ملاک برای سه سطح ضعیف، متوسط و قوی R2 در نظر گرفته می شوند (جدول ۱۵).

جدول ۱۵- مقدار ضریب تبیین برای متغیرهای درونزا

متغیرها	ضریب تبیین R Square
کارکردها	۰/۵۸۹
پیامدها	۰/۷۵۰

وارسی اعتبار اشتراک متغیرهای پنهان مثبت باشد مدل اندازه گیری، کیفیت مناسب دارد. چنان که مشاهده می شود مدل نیز بر پایه معیار مثبت بودن اندازه ها، مناسب است. بنابراین شاخص های مربوط به بررسی کیفیت ابزار اندازه گیری دارای اندازه قابل قبول هستند.

شاخص اعتبار اشتراک متغیرهای پنهان معیار دیگری است که کیفیت ابزارهای اندازه گیری را نشان می دهد. در این زمینه، SSO مجموع مجذورات مشاهده ها برای هر بلوک پنهان، SSE مجموع مجذورات خطاهای پیش بینی برای هر بلوک متغیر پنهان و SSO/SSE نیز شاخص اعتبار اشتراک یا COM-CV را نشان می دهد. اگر شاخص

جدول ۱۶- اعتبار اشتراک متغیرهای پنهان

متغیرها	SSO	SSE	1-SSE/SSO
قابلیت‌ها	۲۰۰۰	۱۵۳۷	۰/۲۳۱۵
پیامدها	۱۵۰۰	۷۸۷/۱۰۷	۰/۴۷۵
کارکردها	۲۰۰۰	۱۳۲۱/۳۰۷	۰/۳۳۹

سرانجام، معیار Redundancy از حاصل ضرب مقدار اشتراکی سازه‌ها در مقادیر R2 مربوط به آنها به دست می‌آید. برای محاسبه مقدار اشتراکی هر متغیر پنهان مرتبه اول، مقدار اشتراکی شاخص‌های (گویه‌های) آن

جدول ۱۷- معیار Redundancy متغیرهای مکنون درونزای مدل

مقدار R2	مقدار اشتراکی سازه‌ها	معیار Redundancy	کارکردها
۰/۵۸۹	۰/۵۵۸	۰/۳۲۸	کارکردها
۰/۷۵۰	۰/۵۸۷	۰/۴۴۰	پیامدها

$$\overline{Red} = \frac{0.328 + 0.440}{2} = 0.38$$

آزمون‌های روایی و پایایی ابزار اندازه‌گیری، نشان داد که شاخص‌ها، معیار مناسبی برای سنجش متغیر پنهان مربوط می‌آیند. بنابراین، مدل‌های اندازه‌گیری توانسته‌اند متغیر پنهان مربوط به خود را به خوبی اندازه‌گیری کنند. در آزمون مدل ساختاری، بر مبنای مقدار ضریب تبیین، متغیرهای پژوهش ۷۵ درصد از واریانس متغیر وابسته پیامدهای فعالیت تسهیلگران را تبیین می‌کنند و متغیر مستقل قابلیت‌ها ۵۸/۹ درصد از واریانس متغیر میانجی کارکردها را تبیین می‌کند. حاصل شدن مقدار ۰/۶۲ برای معیار نیکویی برازش (GOF) نشان دهنده‌ی برازش کلی قوی مدل معادله‌های ساختاری در این پژوهش است. معیار Redundancy نشان می‌دهد به طور میانگین حدود ۳۸ درصد از تغییرپذیری سازه‌های درون‌زای مدل از طرف سازه‌های برون‌زای مدل، تأثیر می‌گیرد. این معیار نیز گویای برازش مناسب مدل ساختاری است.

به طور میانگین حدود ۳۸ درصد از تغییرپذیری سازه‌های درون‌زای مدل از طرف سازه‌های برون‌زای مدل، تأثیر می‌گیرد. این مقدار گویای برازش مناسب مدل ساختاری است.

برای بررسی برازش مدل کلی، روش GOF (نیکویی برازش) به شرح زیر استفاده شد (داوری و رضازاده، ۱۳۹۵):

$$GOF = \sqrt{Communalities + R^2}$$

$$GOF = \sqrt{Communalities \times R^2} = \sqrt{0.57 \times 0.669} = 0.62$$

با توجه به سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ به عنوان مقدارهای ضعیف، متوسط و قوی برای نیکویی برازش (GOF)، حاصل شدن مقدار ۰/۶۲ برای این معیار نشان دهنده‌ی برازش کلی قوی مدل معادله‌های ساختاری در پژوهش حاضر است.

## نتیجه‌گیری و پیشنهادها

توسعه حرفه‌ای و نهادی تسهیلگری به عنوان یکی از کارکردهای مورد انتظار از ترویج، نیازمند کسب شناخت لازم درباره ابعاد مختلف آن، چه به لحاظ کارکرد و وظایف مربوطه و چه به لحاظ قابلیت‌های مورد نیاز و نیز، دستاوردهای محتمل از طریق انجام پژوهش‌های علمی است. یافته‌های این تحقیق گویای پیوند بین سه مولفه برخورداری از قابلیت‌های تسهیلگری با انجام اثربخش کارکردهای مورد انتظار و پیامدهای تسهیلگری برای کارآفرینی زنان روستایی بود. تسهیل کارآفرینی مستلزم برانگیزش گروه هدف (در اینجا زنان روستایی)، آموزش، سازماندهی، شبکه‌سازی، کمک به تشخیص فرصت‌ها، کمک به تامین و بسیج منبع‌ها، برقراری پیوند با بازار در راستای کارآفرینی است. یک تسهیلگر کارآفرینی به فرد یا گروهی از افراد در فرآیند راه‌اندازی و یا توسعه کسب‌وکار کمک می‌کند تا به نتیجه یا تصمیمی در زمینه کسب‌وکار برسند که همه مسئولیت آن را به عهده بگیرند و به طور کامل متعهد به اجرای طرح کسب‌وکار خویش باشند. یک تسهیلگر کارآفرینی زنان روستایی، در پی فراهم آوردن فضا یا چارچوبی برای شکل‌گیری فرآیندی است که تصمیم‌گیری و کنش کارآفرینانه مشترک را ممکن می‌سازد. از بعد دیگر، تسهیل کارآفرینی مستلزم برخورداری از قابلیت‌های مورد نیاز است. قابلیت‌های تسهیلگری، مبین توانمندی‌های مورد نیاز برای انجام تسهیلگری است. به عبارت دیگر، تسهیلگری نیازمند برخورداری از مهارت‌ها و بهره‌گیری از فنونی همانند آشنایی به قانون و مقررات و ساختار نهادهای ذریع، مشاوره‌دهی، آموزش، مدیریت و رهبری، برقراری ارتباط، بازانديشي و غيره و داشتن نگرشي تسهیلگرانه مبتنی بر توانمندسازی از طریق همیاری است. برخی از قابلیت‌های شناسایی شده در این تحقیق، از سوی پژوهشگران دیگر نیز اشاره شده است (سیلیرز، ۲۰۰۰؛ هیروکاوا و کیتون،

۱۹۹۵؛ ماروتو، ۲۰۱۸؛ کمالی، ۱۳۹۰؛ سام‌آرام، ۱۳۸۳؛ شریف‌زاده و شریفی، ۱۳۸۸). این قابلیت‌ها می‌تواند در قالب دوره‌های آموزش رسمی دانشگاهی یا ضمن خدمت شکل گرفته و در جریان کار میدانی با گروه‌ها، به صورت تجربی و از طریق بازانديشي انتقادی توسعه یابد (کولب و روثول، ۲۰۰۲). بنابر تحقیقات پیشین (مريدالسادات و همکاران، ۱۳۸۶؛ شاه‌پسند و همکاران، ۱۳۹۵)، به لحاظ توسعه حرفه‌ای، بهره‌مندی تسهیلگران از چارچوب معینی برای تدوین و تنظیم محتوای برنامه‌های تسهیلگری با هدف ایجاد انگیزه، اشتراک دانش و اطلاعات، مشاوره‌دهی در جریان تصمیم‌گیری، ارتقای مهارت‌های فنی و حرفه‌ای، ارتباط‌های اجتماعی و رسمی، سازماندهی و یا تقویت تشکل‌های زنان روستایی با رویکرد کارآفرینی، تسلط و کاربرد روش‌های گوناگون به اقتضای موقعیت تسهیلگری (تسهیلگر، گروه هدف و زمینه تسهیلگری)، ترویج رقابت بین تسهیلگران در راستای ترغیب نوآوری و ابتکارعمل در فرآیند جهت‌دهی کارآفرینانه زنان روستایی، سامان‌یافتگی تسهیلگران در قالب یک تشکل صنفی همانند کانون یا انجمن تسهیلگران در سطح محلی و فراتر از آن با محوریت خود آن، می‌تواند ضمن کمک به ارتقای هویت حرفه‌ای، زمینه را برای تبادل آموزه‌ها، ارایه خدمات آموزشی و مشاوره‌ای و در نتیجه، توانمندسازی آنان برای کارکرد اثربخش‌تر فراهم آورد. سرانجام، در بعد سوم، تسهیلگران برخوردار از قابلیت‌های تسهیلگری می‌بایست کارکردهای خود را بشناسند و به طور اثربخش انجام دهند. کارکردهای تسهیلگری به معنی مجموعه وظایفی است که برای ایفای نقش تسهیلگر به انجام رسد. یافته‌های این تحقیق همسو با یافته‌های پژوهش‌های پیشین (سیر، ۲۰۰۸؛ مک‌فازدن، ۲۰۰۲؛ شریف‌زاده و شریفی، ۱۳۸۸)، مبین آن است که به لحاظ کارکردی تسهیلگران در پی فراهم‌سازی زمینه کارجمعی، شناسایی و رفع مشکلات بر پایه بسیج ظرفیت‌ها و

اعتبارات، بیمه، امور اداری و نظایر آن از جمله عامل‌های زمینه‌ای است که می‌تواند اثربخشی و پیامد کار تسهیلگران را ارتقا دهد.

با توجه به یافته‌های تحقیق در زمینه تاثیر کارکردهای تسهیلگران بر دستیابی به پیامدهای مورد انتظار در حوزه کارآفرینی زنان روستایی، تاکید می‌شود در تدوین شیوه‌نامه و برنامه کار این گروه، به طور مشخص به کارکردهای شناخته‌شده در این تحقیق اشاره شود و دستور کار و یا فرآیند اجرایی وظایف و کارکردها به طور عملیاتی و شفاف به عنوان نوعی شرح یا توصیف شغلی برای تسهیلگران تدوین شود و تسهیلگران درباره انجام این کارکردها و وظایف شغلی توجیه شوند.

با توجه به یافته‌های تحقیق در زمینه تاثیر قابلیت‌های تسهیلگران بر دستیابی به پیامدهای مورد انتظار در حوزه کارآفرینی زنان روستایی (تحلیل مبتنی بر مدل معادله‌های ساختاری) و نیز ارتباط آن با انجام کارکردهای مورد نظر (نتایج همبستگی)، ضرورت دارد چنین قابلیت‌هایی در انتخاب و آموزش تسهیلگران مد نظر قرار گیرند. همین‌طور، این قابلیت‌ها می‌توانند مبنای نیازسنجی آموزشی در حوزه تسهیلگری قرار گیرند و برنامه درسی و محتوای آموزشی به گونه‌ای تدوین شود که بتواند به شکل‌گیری و توسعه این قابلیت‌ها منجر شود. شکل‌گیری یک انجمن یا تشکل در سطح کشور با هدف آموزش و توانمندسازی تسهیلگران روستایی با همکاری نهادهای دست‌اندرکار، می‌تواند به حرفه‌ای شدن این فعالیت کمک نماید. افزون بر آن، در برنامه درسی رشته‌هایی همانند ترویج و آموزش کشاورزی، نیاز است واحدهای درسی معینی با تمرکز بر قابلیت‌های شناخته‌شده نزد دانشجویان در مقطع‌های مختلف تحصیل تعریف و ارائه شود. این قابلیت‌ها می‌تواند مبنای ارزیابی و سطح‌بندی مهارتی و حرفه‌ای و در نتیجه ارتقای تسهیلگران قرار گیرد. همچنین، در تکمیل این

منبع‌های محلی، بهبود قدرت خودگردانی و مدیریت در سطح محلی در قالب پروژه‌های توسعه‌ای می‌باشند. در صورت برخورداری تسهیلگران از قابلیت‌های لازم و بهره‌گیری از این قابلیت‌ها در انجام کارکردهای مورد نظر، می‌توان به بروز پیامدهای مثبت و سازنده امیدوار بود. بنابر یافته‌های این تحقیق و تحقیقات پیشین همسو (شریفی و پیش‌بین، ۱۳۹۴؛ سلواراج و سوگانیا، ۲۰۱۵؛ راجاگوپال، ۲۰۲۰)، پیامدهای تسهیلگری نشان‌دهنده دستاوردها و اثرگذاری‌های مثبت فعالیت‌های تسهیلگری است. بهره‌وری، بالا رفتن انگیزه، تعهد و اعتماد به نفس و در نتیجه تحرک گروه‌ها و اجتماع‌های محلی برای استفاده از ظرفیت‌های موجود و جلب حمایت‌های بیرونی در راستای توانمندسازی، فراهم‌سازی فضای مناسب برای ایجاد تغییر، پویایی و دگرگونی در تیم‌ها، گروه‌ها، تشکل‌ها و سازمان‌های درگیر، نوآوری، پذیرش و کارآفرینی، ساماندهی و تقویت ظرفیت تشکل‌ها و شکل‌گیری شبکه‌ها از جمله دستاوردهای تسهیلگری به‌شمار می‌رود و در واقع بدون تسهیلگری فرآیندهای جمعی و مداخله‌گری‌های توسعه و ترویج مبتنی بر رهیافت‌های چندکشگرانه به نتیجه نخواهد رسید. از منظر مدیریت پیامد توسعه (فان در برگ و جیگنر، ۲۰۰۷)، پوشش زنجیره از ایده تا بازار در فرآیند تسهیل کارآفرینی زنان روستایی به اقتضای شرایط و زمینه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی هر منطقه، استمرار در ارائه خدمات کارآفرینی توأم با پایش تا مرحله رسیدن به توانمندسازی، نگرش سازنده و حمایتی سازمان‌های دولتی ذیربط و کارگزاران رسمی همانند مراکزهای خدمات جهاد کشاورزی و مروجان یا کارشناسان پهنه (در نظام نوین ترویج) برای پذیرش، بهره‌گیری از ظرفیت و تسهیم منبع‌ها و امکانات با تسهیلگران، همزمانی ارائه خدمات کسب‌وکار از سوی سازمان‌های مسئول دولتی یا تشکل‌های غیردولتی با کارکرد تسهیلگران در حوزه

پژوهش، بررسی به منظور تدوین برنامه آموزشی مبتنی بر نیازسنجی صلاحیت‌محور در حوزه تسهیلگری بر پایه قابلیت‌های شناسایی شده از سوی پژوهشگران علاقه‌مند ضروری است.

با توجه به یافته‌های پژوهش، تسهیلگری می‌تواند دستاوردهای چندی را برای توانمندسازی زنان، توسعه معیشت خانوارهای روستایی و نیز توسعه اجتماعی محلی روستایی در پی داشته باشد. بنابراین، بایستی در همه پروژه‌های توسعه روستایی از تسهیلگران قابل بهره‌گرفته و فهرست پیامدهای شناسایی شده در این تحقیق را به عنوان مبنایی برای رتبه‌بندی و ارزیابی عملکرد ابتکار عمل‌های تسهیلگری مورد توجه قرار داد. شناسایی ابتکار عمل‌های تسهیلگران برتر به منظور تشویق و الگوسازی بر مبنای این پیامدها مورد دیگری است که می‌تواند مد نظر قرار گیرد. در تکمیل این پژوهش، بررسی رضامندی گروه‌های هدف از عملکرد تسهیلگران بر اساس کارکردهای شناسایی شده و ارزیابی و رتبه‌بندی طرح‌های توسعه روستایی تسهیل‌شده بر مبنای پیامدهای شناسایی در این تحقیق تاکید می‌شود.

این تحقیق به طور مشخص در یک منطقه و با شمول گروهی از پاسخگویان در همان منطقه انجام شده

است. لذا، تعمیم یافته‌ها فراسوی منطقه جغرافیایی و گروه هدف مورد بررسی، نیازمند ملاحظه این واقعیت است. بخش عمده این تحقیق، با بهره‌گیری از ابزار پرسشنامه به صورت پیمایشی انجام شده است و از این‌رو، محدودیت‌های ناشی از تحقیقات پرسشنامه‌ای را دارد. بنابراین، در تحقیقات آینده می‌توان با بهره‌گیری از روش‌های تحقیق دیگر به صورت آمیخته، کیفیت یافته‌ها را ارتقا بخشید. به لحاظ نظری، تحقیقات داخلی محدودی در زمینه تسهیل کارآفرینی زنان در دسترس بود و این موضوع، مرور پیشینه را دشوار ساخته بود. در همین زمینه، در ادامه این تحقیق، یا با بهره‌گیری از رویکردها و الگوهای نظری دیگری، می‌توان به بررسی الگومند تسهیلگری در فرآیند کارآفرینی زنان با بهره‌گیری از روش‌های تحلیل آماری متفاوت اقدام کرد. در این تحقیقات، می‌تواند ضمن توسعه الگوی مفهومی و نظری و شمول متغیرها و سازه‌های دیگر، بر عنصرهای محتوایی و فرآیندی کارآفرینی اقتصادی و اجتماعی زنان روستایی نیز تاکید کرد.

### پی نوشت

- 1- Pradhan Mantri Jan Dhan Yojana
- 2- Kudumbashree
- 3- Palakkad

### منبع‌ها

- احمدی‌زاده، س. س. ر.، داودیان، ج. (۱۳۹۵). اثر سه نوع کارکرد پروژه بین‌المللی ترسیب کربن بر توانمندسازی جوامع محلی خراسان جنوبی. راهبردهای توسعه روستایی؛ ۳(۳): ۳۷۹-۳۹۵.
- اقدسی، س. بابایی، ف.، و محمدی، ع. (۱۳۹۳). نقش زنان تسهیلگر روستایی در آموزش توسعه پایدار و حفاظت از محیط زیست. مجله پایداری، توسعه و محیط زیست، ۱(۲): ۳۱-۳۹.
- بوذرجمهری، خ.، و نایب‌زاده، ف. (۱۳۸۸). ارزشیابی طرح تسهیلگران زن روستایی در ایجاد ارتباط دوسویه و افزایش مشارکت زنان روستایی در عرصه‌های مختلف توسعه روستایی (مطالعه موردی: دهستان مازول از بخش مرکزی شهرستان نیشابور). زن در توسعه و سیاست؛ ۷(۳): ۶۹-۷۸.
- بهمی، ا.، زمانیان، ع.، اصلانی، ف. (۱۳۹۹). تبیین نقش میانجی همدلی در ارتباط بین سرمایه‌های روان‌شناختی و کارآفرینی اجتماعی زنان روستایی (مورد مطالعه: زنان روستای چوب‌بست). راهبردهای کارآفرینی در کشاورزی، ۷(۱۴): ۸۷-۹۴.



- حاجیلو، ف.، خانی، ف.، تقوی، ن.، مقدم واحد، م. (۱۳۹۶). بررسی عوامل تأثیرگذار بر موفقیت تسهیلگران زن در ایجاد گروه‌های مستقل زنان روستایی: مطالعه موردی آذربایجان شرقی. روستا و توسعه؛ ۱۰(۱): ۱۱۳-۱۳۸.
- داوری، ع.، و رضازاده، آ. (۱۳۹۵). مدل‌سازی معادلات ساختاری با نرم‌افزار PLS. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- زرافشانی، ک.، علی بیگی، ا. و فقیری، م. (۱۳۹۱). رتبه بندی صندوق های اعتبارات خرد براساس توانمندسازی زنان روستایی استان کرمانشاه. زن در توسعه و سیاست، ۱۰(۱): ۱۰۵-۱۲۴.
- سام‌آرام، ع. (۱۳۸۳). روش‌های تسهیل در کار گروهی، ویژه سازمان‌های غیردولتی. تهران: مرکز تحقیقات، بازتوانی و بهبود زندگی زنان.
- شاه‌پسند، م.، ر.، شریفی مقدم، م.، شریفی، م. (۱۳۹۵). اصول و مبانی تسهیلگری حرفه‌ای. تهران: موسسه آموزش و ترویج کشاورزی.
- شریف‌زاده، ا.، و شریفی، م. (۱۳۸۸). بررسی عوامل مؤثر بر نگرش تسهیل‌گرانه کارگزاران ترویج کشاورزی. علوم کشاورزی و منابع طبیعی، ۱۶(۱): ۲۳-۳۳.
- شریفی، م.، حسینی، س. م.، ایروانی، ه. و شریف‌زاده، ا. (۱۳۸۹). بررسی عوامل مؤثر بر صلاحیت تسهیل‌گری کارشناسان ترویج کشاورزی. تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران (علوم کشاورزی ایران)؛ ۲(۴۱): ۲۴۳-۲۵۵.
- شریف‌زاده، ا.، و ملک‌محمدی، ا. (۱۳۸۳). تخصصی‌شدن ترویج کشاورزی: چارچوب مفهومی، چالش‌ها و راهبردها. جهاد، مرداد و شهریور، شماره ۲۶۴: ۳-۱۳.
- شریفی، م. پیش‌بین، ا. (۱۳۹۴). پیشبرد توسعه روستایی از طریق کارآفرینی اجتماعی: آموزه‌های بانک گرامین. کارآفرینی در کشاورزی، ۲(۳): ۷۷-۱۰۵.
- سنگریان دهکردی، ف. و خسروی پور، ب. (۱۳۸۹). تحلیل نقش تسهیلگران در افزایش مشارکت زنان روستایی به منظور پیشرفت در توسعه پایدار کشاورزی، اولین همایش ملی کشاورزی پایدار و تولید محصول سالم، اصفهان، ۱۹ آبان ۱۳۸۹، مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی اصفهان.
- عنابستانی، ع. ا.، صادقلو، ط.، مرادی، ک. (۱۳۹۷). تحلیل نقش مدیریت پروژه‌های کارآفرینانه در توانمندسازی زنان روستایی مورد: اعضای نظام صنفی کشاورزی شهرستان محلات. اقتصاد فضا و توسعه روستایی؛ ۷(۲۳): ۲۰۳-۲۱۹.
- فلاحی، ح.، رضوانی مقدم، پ.، جاهدی پور، س.، افحوانی شجری، م.، بهدانی، م.، ع.، یاری، ع. (۱۳۹۴). اصول و مبانی ترسیب کربن. مشهد: ناشران: جهاد دانشگاهی (دانشکده پزشکی امام رضا(ع))، جهاد دانشگاهی (دانشگاه فردوسی مشهد).
- قاسمی، م.، و احمدپور، ا. (۱۳۹۴). بررسی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر موفقیت زنان کارآفرین قالی باف استان مازندران. روستا و توسعه، ۱۸(۳): ۱-۲۰.
- کمالی، م. ب. (۱۳۹۰). ارزشیابی مشارکتی طرح زنان تسهیلگر توسعه روستایی: فرایند اجرا و اثرات. وزارت جهاد کشاورزی، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج، دفتر امور زنان روستایی و عشایری.
- میردالسادات، پ.، اسدی، ع.، صادقی، ف. (۱۳۸۶). بررسی اثر بخشی طرح تسهیلگران زن روستایی در شهرستان دماوند. علوم کشاورزی ایران (ویژه اقتصاد و توسعه کشاورزی)؛ ۳۸-۲(۲): ۳۰۱-۳۰۹.
- ملک محمدی، ا.، و شریف‌زاده، ا. (۱۳۸۵). بررسی نگرش کارشناسان ترویج کشاورزی نسبت به تخصصی شدن ترویج کشاورزی ایران. مجله علوم کشاورزی ایران؛ ۲-۳۷(۲): ۲۴۵-۲۳۵.

Akter, M., Rahman, M., & Radicic, D. (2019). Women Entrepreneurship in International Trade: Bridging the Gap by Bringing Feminist Theories into Entrepreneurship and Internationalization *Theories. Sustainability*, 11, 6230. <https://doi.org/10.3390/su11226230>

Allahyari, M.S., Chizari, M. & Mirdamadi, S.M. (2009). Extension-Education Methods to Facilitate Learning in Sustainable Agriculture. *Journal of Agriculture & Social Sciences*, 5, 27-30

Bhatia, S., & Singh, S. (2019). Empowering Women Through Financial Inclusion: A Study of Urban Slum. *Vikalpa*, 44(4), 182-197.

Brouwer, J. H., Woodhill, A. J., Hemmati, M., Verhoosel, K. S., & van Vugt, S. M. (2016). The MSP guide: How to design and facilitate multistakeholder partnerships. Practical Action Publishing Ltd.

Cerf, M., Guillot, M.N., & Olry, P. (2011). Acting as a change agent in supporting sustainable agriculture: How to cope with new professional situations? *The Journal of Agricultural Education & Extension*, 17, 7-19

Chin W. (1988). The partial least squares approach to structural equation modeling. In G.A. Marcoulides, editor. *Modern methods for business research*. Mahwah, New Jersey: Lawrence Erlbaum Associates.; 295-303

Cilliers, F. (2000). Facilitation skills for trainers. *Journal of Industrial Psychology*, 26(3), 21-26.

Cyr, L.F. (2008). Facilitation competence: A catalyst for effective extension work. *Journal of Extension*, 46 (4), Retrieved 2021 from: <https://archives.joe.org/joe/2008august/rb2.php>

Deugd, M., Röling, N., & Smaling, E.M.A. (1998). A new praxeology for integrated nutrient management, facilitating innovation with and by farmers. *Agriculture, Ecosystems and Environment*; 71, 269- 283.

Elsay, B. & Sirichoti, K. (2002) .The Learning Facilitation Role of Agricultural Extension Workers in the Adoption of Integrated Pest Management by Tropical Fruit Growers in Thailand. *Studies in Continuing Education*, 24(2), 167-80.

Harvey, G., Loftus-Hills, A., Rycroft-Malone, J., Titchen, A., Kitson, A., McCormack, B. & Seers, K. (2002). Getting evidence into practice: The role and function of facilitation. *Journal of Advanced Nursing*, 37, 577– 588.

Hirokawa, R. Y., & Keyton, J. (1995). Perceived facilitators and inhibitors of effectiveness in organizational work teams. *Management Communication Quarterly*, 8, 424-446.

Iglesias, V. (2004). Perceptions about service: How much do they influence quality evaluation? *Journal of Service Research*; 7(1), 90- 103

Katre, A. (2018). Facilitating affective experiences to stimulate women's entrepreneurship in rural India. *International Journal of Gender and Entrepreneurship*, 10(4), 270-288.

Kolb, J. A. (2004). Initial contracting issues in small group facilitation. *Industrial and Commercial Training*, 36(5), 207-209.

Kolb, J. A., & Rothwell, W. J. (2002). Competencies of small group facilitators: what practitioners view as important? *Journal of European Industrial Training*, 26, 200-203.

Marotto, C. C. F. (2018). *STEM outreach facilitation as a catalyst for 21st century teacher education* (T). University of British Columbia. Retrieved from <https://open.library.ubc.ca/collections/ubctheses/24/items/1.0369276>

- McFadzean, E. (2002). Developing and supporting creative problem solving team: Part 2- facilitator competencies. *Management Decision*, 40 (6), 537-551.
- Otoo, M., Ibro, G., Fulton, J., & Lowenberg-Deboer, J. (2012). MicroEntrepreneurship in Niger: Factors Affecting the Success of Women Street Food Vendors. *Journal of African Business*, 13(1), 16-28
- Petridou, E. & Glaveli, N. (2008). Rural women entrepreneurship within co-operatives: training support. *Gender in Management*, 23 (4), 262-277.
- Pierce, V., Cheesebrow, D., & Braun, L. M. (2000). Facilitator competencies. *Group Facilitation*, 2(2), 24-31
- Rajagopal, N. (2020). Social Impact of Women SHGs: A Study of NHGs of 'Kudumbashree' in Kerala. *Management and Labour Studies*, 45(3), 317-336.
- Raykov, T. (1998). Coefficient alpha and composite reliability with interrelated non-homogeneous items. *Applied Psychological Measurement* ; 22(4), 375-385
- Salwa, A. H. F., Azahari, A.M. & Tamkin, B. J. (2013). Success Factors of Successful Microcredit Entrepreneurs: Empirical Evidence from Malaysia. *International Journal of Business and Social Science*, 4 (5), 153-159.
- Selvaraj, N. & Suganya, M. (2015). Rural Women Empowerment Through Capacity Building-A Study With Reference To Micro Credit Programmes In Tamilnadu, India. *International Journal of Research in Management, Economics & Commerce*, 5 (3), 20-52
- Steiber, A., & Alänge, S. (2015). Organizational innovation: A comprehensive model for catalyzing organizational development and change in a rapidly changing world. *Triple Helix*, 2(9), 1-25.
- Van de Fliert, E., Pontius, J. & Röling, N. (1995). Searching for strategies to replicate a successful extension approach: training of IPM trainers in Indonesia. *European Journal of Agricultural Education and Extension*, 1, 41-63.
- Van den Berg, H., & Jiggins, J. (2007). Investing in farmers - The impacts of Farmer Field Schools in relation to Integrated Pest Management. *World Development*, 35, 663-686.
- Wardale, D. (2008). A proposed model for effective facilitation. *Group Facilitation: A Research and Applications Journal*, 9, 49-58.

## The Role of Facilitators in Promoting Women's Entrepreneurship: Implications for Facilitation Training

Sara Parsiani<sup>1</sup>, Mohammad Sharif Sharifzadeh<sup>2</sup>, Mohammad Reza Mahboobi<sup>3</sup>, Gholamhossein Abdollahzadeh<sup>4</sup>, Mahnoosh Sharifi<sup>5</sup>

1- Former M.Sc. Student, Gorgan University of Agricultural Sciences and Natural Resources

2,3,4- Associate Professor, Gorgan University of Agricultural Sciences and Natural Resources

5- Adjunct Educator, Gorgan University of Agricultural Sciences and Natural Resources

### Abstract

The aim of this research was to identify and explain the functions and capabilities of facilitators to promote rural women's entrepreneurship so that the results can be used to integrate facilitation in agricultural extension. This survey research was conducted in rural areas of Galikesh county, Golestan province. The statistical population of this study included facilitators and rural women of Galikesh county. The respondents (n=204) were selected by stratified random sampling. The research tool was a researcher-made questionnaire that was developed based on the literature review and interviews with a group of key informants in the form of a tri-dimensional model; its content validity according to the opinions of the expert group, and its reliability by calculating Cronbach's alpha coefficient [ $\alpha = .964$ ,  $\alpha = .960$ ] and C.R. [.967, .962] was confirmed. According to the findings, most of the respondents evaluated the functions of facilitators (47.06%), the capabilities of facilitators (52.94%), and the facilitation impacts (46.57) at a moderate level. According to the Spearman correlation coefficient, there is a positive and significant relationship between the three components of facilitation functions, facilitation capabilities, and facilitation impacts. According to the structural model test, the research variables explain 75% of the variance of the dependent variable, the consequences of the facilitators' activities, and the independent variable of capabilities explains 58.9% of the variance of the mediating variable of functions. Considering these findings, it can be concluded that the formation of a sustainable stream of entrepreneurship among rural women requires the use of facilitators who have the necessary capabilities and targeted their function to support women in the entrepreneurial process. Therefore, it seems necessary to integrate and strengthen facilitation training in agricultural extension education programs and courses to develop and improve the professional capability development of extension practitioners.

**Index terms:** Agricultural extension, facilitation training, rural women entrepreneurship.

**Corresponding Author:** Mohammad Sharif Sharifzadeh

**Email:** sharifzadeh@gau.ac.ir

**Received:** 2021/08/10

**Accepted:** 2021/09/21